



گاتها

سرودهای زرتشت

اهونودگات (یسفاها ۲۸)

۱ *خواستارم^۱ در نماز^۲ با دستهای بلند شده^۳، نخست،
ای مزدا را مش^۴ از برای همه آفرینش^۵ سپند مینو^۶،
ای اردیبهشت^۷ (و) اینکه خرد^۸ بهم^۹ را خوشنود
توانم ساخت^{۱۰} و گوشورون را^{۱۱} ॐ

۲۳۴

* این ها دارای یازده بند است بندهای ۱-۵ بهم پیوسته است اینچنین:

در نخستین بند پیغمبر از برای رامش و خوشی سراسر آفریدگان نیک که از
پرتو سپند مینو (روان پاک خداوندگار) بیکر هستی یافته اند دست بنواز و تپایش برداشته
خواستار است که از آیین راستین (آشا) خرد امشاسپند بهم^۹ و فرشته نگهبان جانداران سودمند
گوشورون را از خود خوشنود گرداند

در دومین بند آرزو شده که باران و بیروان دین بهی بیانچی آیین راستین از آبادی و
بخشایش ایزدی در هر دو کیتی برخوردار گردند چه در این سرای سپنج و چه در جهان
جاودانی آینده

در بند سوم پیغمبر فرماید: سرود ستایش من بدرگاه اهورا مزدا و مهین فرشتگان
(امشاسپندان) سرود بیکتا پرستی است آنچنان که بیش از این نبوده است امید است
آنگاه که من آنان را در راه دین گستره ییاری همخوانم بناه بخشند و امشاسپند
سپندار من (آرمیتی) کشور جاودانی مینوی (= بهشت) از برای دینداران یاراید

در بند چهارم فرماید: من در نهاد خویش بر آن شده ام که روان مردم را با همراهی
منش نیک (بهم) نگهبان باشم و چندان که بتوانم مردم را بآیین راستین رهبری کنم زیرا از
پاداشی که مزدا اهورا در روز بسین از برای کردارهای نیک خواهد داد بخوبی آگاهم

نسخه‌های دست‌نویس

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

(۲۸ نسخه‌های دست‌نویس)

(۱) نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

نسخه‌های دست‌نویس در کتابخانه ملی

در بند پنجم گوید: کی خواهد بود آن روزی که من بیدنه خود راستی و منش نیک و بارگاه فرو شکوه اهورا و فرمانبرداران مزدا را توانم نگرستن؟ از این گفتارهای آسمانی و نویدها بسوی فردوس برین چنان سازم که زیانکارترین از مردم هم بامید بخشایش روز بسین بآیین راستین بگروند

از سیند مینو - سینتو مئینو *spenta-mainyu* = اسپنتا مینو که خرد یا روان پاک مزداست جداگانه سخن داشتیم همچنین از اشا = اش سپنتا *asha* که در فارسی اردیبهشت گوئیم همین کلمه است که گاهی بمعنی راستی گرفته ایم و گاهی بمعنی دین راستین همچنین از وهمنته *vohu-manaiih* = وهمنته که در فارسی بهمن گوئیم سخن رفت و در هر جای از گاتها که منش نیک نگاشتیم معنی همین واژه است

آرمیتی *armati* یا آرمیتی *armati* که در فارسی سیندارمذ گوئیم نیز یکی از مهین فرشتگان یا از امشاسپندان است بسا معنی این واژه را که یارسانی و بردباری و فروتنی است بکار برده ایم

از امشاسپندان دیگر چون شهریور و خرداد و اسرداد در مقاله "امشاسپندان سخن رفت از کوشورون = گئوش اورون" *gaush-urvan* که فرشته نگهبان جانداران سودمند است نیز جداگانه سخن رفت و در یاد داشتها هم ریشه و بنیان هر یک از این واژه‌ها را یاد کردیم

۲ من که بشما روی میآورم^۱، ای مزدا اهورا، یا منش نیک،
 بمن ارزانی دارید^۲ آن آبادی^۳ دوجهان^۴ خاکی^۵
 و مینوی^۶ را بدستیاری^۷ اردیبهشت که بیاران^۸ گشایش^۹
 دهد^{۱۰}

۳ من که شمارا، ای اردیبهشت، سرود گویم^۱ بروش نو^۲
 و بهمن و مزدا اهورا و کسانی را که سپندارمذ^۳ از
 برایشان کشور^۴ نکاستنی^۵ بیالاند^۶: بیاری من رسید^۷
 هر آنگاه (که شمارا بیاری) همی خوانم^۸ ^{۱۰}

۴۳۶

۴ من بیاد سپرده ام^۱ که روان^۲ را با همراهی^۳ منش نیک
 نگهبانی کنم^۴، چه از پاداش^۵ مزدا اهورا از برای کردار^۶
 آگاهم^۷ تا هرچند^۸ که توان^۹ و توش دارم^{۱۰} خواهم
 آموخت^{۱۱} که دین راستین (اشا) جویند^{۱۲} ^{۱۰}

۵ ای راستی، کی چون دانائی ترا خواهم دید^۱ و منش نیک
 را؟ و توانا ترین^۲ بارگاه^۳ اهورا (و) پیروان^۴ مزدا را؟
 از این مهیت تر^۵ گفتار^۶ بگروانم^۷ زیانکاران^۸
 بازبان مان^۹ ^{۱۰}

٦ * پيا با منش نيك، بده بخشايش^١ پايدار^٢ راستی از گفتار^٣
درست^٤ خویش بزرگت، ای مزدا، و بما پناه نیر و مند^٥
(بخش) ای اهورا تا که ما بستمیزه دشمن^٦ چیر شویم^٧ ۵۵

٧ † بده، ای اردیبهشت، آن یاداش^١ (و) آبادی^٢ منش
نيك، تو ای سپندارمذ بده بگشتاسب خواهش^٣ (خویش)
و بمن آن ده، ای مزدا و پادشاه^٤ که پیغمبر^٥ شما سرود
ستایش^٦ روا کند^٧ ۵۵

٤٣٨

٨ † بهتری^١ خواستارم از تو ای بهتر، تو ای اهورای با بهتر
راستی همکام^٢، خواهانم^٣ از برای فرشوستر^٤ دلیر^٥ و از
برایم و از برای کسی که تو آن را^٦ به بخشائی^٧ منش
نيك، هماره جاودان^٨ ۵۵

* در بندهای ٦-١١ پیغمبر از مزدا خواستار است که بدو و یارانش دارائی منش نيك (بمن) و بخشایش جاودانی راستی (اشا) ارزانی دارد و در برابر ستیزه بدخواهان بآنان پناه دهد بویژه یکی گشتاسب که پشتیبان آیین پیغمبر است و فرشوستر که وزیر کی گشتاسب است کامیابی و دستگیری بخشد برای اینکه اهورا مزدا آرزوی پیغمبر و هر يك از یارانش را بر آورده کامروا سازد باید بستایش و نیایش استاد تا در کشور جاودانی مینوی (بهشت) در خور بخشایش ایزدی گردید آری هر آنکه را اهورا مزدا پاك و نيك منش شناخت کامباب و دستگار سازد و سخنان خواهش وی در پیشگاه مزدا پذیرفته گردد

پیغمبر در انجام فرماید: هر آن نیکی که در جهان از مردم سرزند من آنها را در گنجینه*

(۹) سند و اسناد. واسعه. چای دمن. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.

(۱۰) سند. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.

۲۴۱

(۱۱) سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.
 سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد. سند و اسناد.

« این یکی » که در آغاز این بند آمده همان دارائی منش نیک است که در بند پیش گذشت
 † چنانکه از خود این بند رمیآید پرسش یغیبر، در باره جهان مینوی آینه است در آنجائی که کردارهای جهانی سردمان را که یغیبر از برای روز شمار نگهداری کرده خواهند سنجید

(یسناها ۲۹)

۱ * بشما کله کردا گوشورون^۲ از برای کی مرا
 آفریدید^۳ کی مراسم ساخت^۴؟ خشم^۵ و ستم^۶ و سنگدلی^۷
 و درشتی^۸ و زور^۹ مرا بستوه آورد^{۱۰}. مراجز از شما
 نکهبان^{۱۱} دیگری نیست: ایدون^{۱۲} نیکی^{۱۳} کشاورز^{۱۴}
 بمن ارزانی دارید^{۱۵} ☉

۲ آنگاه^۱ آفریننده^۲ جانور از اردیبهشت پرسید^۳: تو
 چگونه^۴ ردی^۵ بجانور میدهی که بدو خورش^۶
 همچنین^۷ نگهباری^۸ بسزا^۹ تواند دادن^{۱۰}؟ کی راشما
 سردار^{۱۱} وی برگزیده^{۱۲} که دروغ^{۱۳} و خشم باز دارد^{۱۴}، ☉

۴۴۲

* این ها ماده‌های پیش نیز دارای یازده بند است و یکی از دلکشتن سروده‌های
 گاته‌است زیرا که گویای آغاز آبادانی ایران زمین است گوشورون که در نخستین بند از های
 ۲۸ نیز یاد شده روان چاربایان یا فرشته است که بنکهبانی جانوران سودمند گاشته است
 بدرگاه آفریدگار خورش پر آورده از ستم و پیداد و خوزیزی مردمان گله مند است
 و خواستار است که در بناه برزیکران دلسوز و شبانان مهربان آسوده و خرم زیست کنند
 آنگاه آفریدگار از امشاسیندان اردیبهشت، نایبده^۱ درستی و راستی پرسید چگونه مهتر و سروری
 باید از برای برستاری چاربایان برگزید^۲ اردیبهشت در پاسخ گوید: در گیتی چنین سردار
 آیین شناس و مهربان نیست و خود مزدا از همه بهتر داند که پیش از این دیوها (گروه
 پروردگاران) چه آیین گزاردند و پیروان آنان چه کرده و چه خواهند کرد اینک داد گستری
 با خود اهوراست پس از آن روان چاربایان بدرد و آفرین ایستاده از مزدا درخواست
 که یادسایان و شبانان را از آسیب کیش دروغین و پیروان پیدادگر دیوها نگاهدارد اهورا مزدا
 به گوشون گوید: از برای چاربایان سرور و شهرباری که از خود آنها باشد نیست آفریدگار
 آنها را از برای شبانان و برزیکران بسید آورد تا در بناه آنان خوش زیند و مایه^۱ خورش و
 زندگی مردمان باشند

(۲۹)

(۱) **لَا تَجْعَلْ لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا**
وَلَا تَجْعَلْ لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا
وَلَا تَجْعَلْ لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا
وَلَا تَجْعَلْ لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا

(۲) **لَا تَجْعَلْ لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا**
وَلَا تَجْعَلْ لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا
وَلَا تَجْعَلْ لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا
وَلَا تَجْعَلْ لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا وَلَا لِحُكْمِكَ عِزًّا

۴۴۳

گوشورون از امشاسینه بهمین، ناینده" منش نیک پرسد: پس در میان مردمان از کی امید
 برستاری توانیم داشت؟ امشاسینه بهمین پاسخ دهد: بگانه کسی که بدین راستین گوش فرا
 داده زرتشت سیتان است اوست گستراننده آموزش مزدا از اینرو باو گفتار تیز و دلپذیر
 بخشیده شده است چون گوشورون نام زرتشت بشنید، دیگر باره ناله آورد: چگونه چنین
 مرد ناتوانی ما را خشنود تواند ساخت ما را آرزوی شهریار توانائی است تا در سایه شمشیری
 جهانیان رام و زمین از کشت و ورزو پرورش چاربایان سودمند خرم و شاد شوند نه یغبری
 اندر زکوی که از او فرمان نبرند و ستم همچنان پایدار بماند کی خواهد بود آن روزی که
 شهریار زبردستی بداد ما رسد؟ آنگاه زرتشت گفت: بار خدایا بروان چاربایان نیروی بخش
 بر انکیز آن شهر یاری که آبادانی و رامش تواند دادن، آری ای مزدا تو چنین کسی را
 توانی بر انکیختن هلا ای مردم مرا بپذیرید و دین راستین من دریاید تا راستی و منش نیک
 و شهر یاری بشاروی کند و جهان از برزگران آباد و چاربایان از پرورش شبانان شاد
 گردند گوشورون پس از شنیدن آواز زرتشت آرام گرفته دریافت که در پناه آمین وی
 چاربایان سودمند هم آسوده تواند زیستن

۳ باو (بآفریننده جانور) اردیبهشت یاسخ گفت^۱ از برای چارپا
سردار^۲ بی ازاری^۳ نیست در آنجا^۴ نتوانند دریاقمن^۵
که بازیردستان^۶ درست^۷ رفتار کنند^۸ در میان کسان^۹
نیرومندتر^{۱۰} کسی است که مراخواند^{۱۱} (و) من بیاری^{۱۲}
وی رسم^{۱۳} ۰۰

۲ (اردیبهشت گوید) مزدا سخن^۱ بهتر بیادد^۲ دارد^۳ که پیش از
این چه^۴ ورزیدند^۵ دیوها^۶ و مردمان^۷ و همچنین
بس از این^۳ چه خواهند ورزید. اوراست^۸، اهورا راست
داد گستری^۷ آنچه آن که او خواهد^۸ مانیز بر آنیم^۹ ۰۰

۴۴۴

۵ ایدون^۱ بر آنیم^۲ بادستهای بلند شده^۳ آفرین خوانیم^۴
روان من و جانور بارور^۵ باخواست^۶ مزدا را بر آن
داریم^۷ که نه بر است زندگی کننده^۸ (و) نه بشبان^۹
از دروغپرست^{۱۰} آسیب^{۱۱} رسد^{۱۲} ۰۰

۶ ایدون اهورا مزدای آیین^۱ شناس خودگفت^۲ ، بافرزانگی^۳ :
(از برای تو) يك سردار یافت نشده^۴ و نه^۵ ردی^۶
بدرستی^۷ ، چه^۸ ترا آفریدگار^۹ از برای شبان و برزیگر
ساخت^{۱۰} ۰۰

۷ سخن ۱ «افزونی»، ۲ مزدا اهورای با راستی همکام ۳ از برای چارپا آفرید و بفرمائش ۴ فراوانی ۵ از برای بخورش نیازمندان ۶، آن پاك ۷ (دارد)
 † کیست از توای بهمن در میان مردمان ۸ آنکه از ما نکهرداری کنند؟ ۹ ☉

۸ * (بهمن گوید:) یگانه کسی که اینجا من شناخته ۱ (و) کسی که آیین ۲ ما شنیده ۳ زر تشت سپیتمان است ۴ ، ای مزدا، که (اندیشه) ما و اندیشه ۵ دین راستین بگستراند ۶ ، از اینرو باو گفتار ۷ دلپذیر ۸ دادیم ☉

۴۴۶

۹ † آنگاه بنالید ۱ گوشورون: که من خشنود شوم ۲ باواز ۳ سست ۴ يك نکهدار ۵ ، يك مرد ناتوان ۶ بجای يك شهریار توانا ۷ که آرزوی من است ۸
 کی ۹ خواهد بود ۱۰ آن همکام ۱۱ که باو ۱۲ یاری ۱۳ زبردست ۱۴ داده شود؟ ۱۵ ☉

۱۰ (زرتشت گوید:) شما ۱ ای اهورا، ای اردیبهشت، ای بهمن بآمان ۲ نیرو ۳ دهید و آن توانائی ۴ که از آن او ۵ خان و مان خوب ۶ و رامش ۷ تواند دادن.
 من نیز بر این اندیشیدم ۸ ، ای مزدا که توئی نخستین ۹ پدید آورنده ۱۰ این ۱۱ ☉

* ناگزیر این بُرش از گوشورون و جانور باو راست که در بند پنجم درخواستند که مزدا بنکان را از آسیب بدان آسوده بدارد

۱۱ کجاست^۱ راستی و منش نیک و شهریاری^۲ ؟ پس مرا
 شما، ای مردم^۳، بپذیرید^۴، ای مزدا، از برای شناختن^۵
 مه^۶ آیین من^۷.
 * ای اهورا، مراست اکنون^۸ یاور^۹ از برای بهره^{۱۰} *
 مانند شما^{۱۱} کسانی ایستاده ایم^{۱۲} ۵۵

* گوشورون پس از شنیدن آواز زرتشت آرام گشته گوید: آیین زرتشت پناه ما خواهد بود از آزار یدادگران آسوده برای سود و بهره جهانیان آماده ایم

(۱۱) و در صورت وقوع خسارت

بناچار کلیه تعمیرات و

تعمیرات را بر عهده

کارفرما خواهد بود

و کلیه هزینه

تعمیرات را بر عهده

(سناها ۳۰)

۱ * اینک سخن میدارم^۱ از برای آنانی که خواستار شنیدن
اند^۲ آنچه را که مرددانی^۳ باید بیاد بسپرد^۴ : از ستایش^۵
اهورا و درود^۶ بهمین و از شادمانی^۷ کسی که آن را خوب
بیاد بسپرد^۸، آن کسی که راستی و همچنان روشنائی^۹ خواهد
نگریست^{۱۰} ॐ

* در اینها که نیز مانند دوهای پیش دارای دوازده بند است از دو گوهر
خوبی و بدی سخن رفته این یک بدین راستین دادار یکتا اهورا مزدا هیخواند و آن دیگر
بکش دروغین دیوها، گروه پروردگاران کشاند پیشتر زرتشت از برای این بر انگیخته شده
که راه از چاه باز ناید و مردم را راستی رهنون گردد

۴۵۰

سوی تو نوید گر فرستادند	بر دست زمانه ز آفرینش دو
یکتی سوی دوزخت هیخواند	یکتی سوی غر و نعمت مینو
هر یک برهیت میکشد لیکن	بر شخص پدید نا ورد نیرو
این با خوی نیک و نعمت حکمت	اندر ره راست میکشد بازو
و آن جان ترا هیکنند تلئین	با کوشش مورو گزبری راسو
بر گیر ره بهشت و کوشش کن	کاین نیست ره محال و نامرجو ناصر خسرو

و خورش زرتشت فرماید: اینک از ستایش اهورا و درود بهمین سخن بدارم و از رستگاری
و شادمانی کسانی که سخنانم بیاد بسیارند و کار بندند آنچه آن که بدیدن راستی و برسیدن
یارگاه بر فر^۱ و فروغ مینوی کامیاب کردند شمارا از هر آنچه نیکو و ستوده است
یا گاهانم، هر یک از شما مرد و زن راست که با منش روشن، جدائی میان دین راستین
و کیش دروغین بدانید، نیک از بد از شناسید پیش از پایان گرفتن گردش گیتی و فرا رسیدن روز
شار دریا بید، که در سر انجام رستگاری با ماست در آغاز آفرینش دو گوهر نمودار شدند
یکی نامزد به سینت مینوی *spenta mainyu* (= سیند مینو) و دیگری
انگرت مینوی *anra. mainyu* (= اهرمین) سیند مینو ناپنده خرد پاک مزدا
یا پندار و گفتار و کردار نیک؛ اهرمین ناپنده روان تیره با پندار و گفتار و کردار زشت
هر دو خود را بجهانیان بنمودند از مردمان کسانی که روشندل اند بنیکی روی نموده سیند مینو

۲ بشنویدا با گوشها ۲ آنچه بهتر است (و) به بیفید ۳
 با منش ۴ روشن ۵ جدائی ۶ میان دو کیش ۷ *هریک، هر یک ۸
 از برای خویشتن ۹ پیش از (فرارسیدن) انجام ۱۰ بزرگ ۱۱
 دریاقن ۱۲ که آن بسود ما پایان خواهد پذیرفت ۱۳ ☉

۳ †در آغاز آن دو گوهر ۲ همزاد ۳ در پندار و گفتار
 و کردار ۴ بهتر و برتر ۵ در اندیشه ۶ هویدا شدند ۷ در میان
 این دو، نیک اندیشان درست برگزیدند ۸ نه بدانیشان ۹ ☉

۴ و آنکه که این دو گوهر بهم رسیدند ۱ نخست هستی
 و نیستی ۲ بنیان نهادند ۳ و همچنان ۴ در انجام ۵ بدتر ۶
 زندگی ۷ که پیروان دروغ را خواهد بود و پیروان راستی را ۸
 بهتر جایگاه ۹ ‡ ☉

۴۵۲

• از این دو گوهر، دو ستار دروغ ۱ بدتر رفتار ۲ برگزید ۳،
 راستی (برگزید) ۴ پاکتر روان ۴، § آنکه از آسمان ۵
 استوارتر ۶ جامه در بر کرده ۷ و کسانی که شادمانه ۸ با
 کردارهای آشکار ۹ اهورامزدارا خشنود کنند ۱۰ ☉

* دو کیش: مزدیسنا یا دین راستین مزدا و دیو بسنا یا دین دروغین گروه پروردگاران
 † درباره دو گوهر یا دو روان خوب و بد به بند دوم ازها ۴۵ نیز نگاه کنید
 ‡ بهتر جایگاه: بهشت برین، سرای جاودانی در آنجائی که یاکان و نیکن آرام گیرند
 § آسمان پایدار چون جامه ایست بر بالای رسای روان یاک ایزدی

۶ * از میان این دو (گوهر) دیوها^۱ نیز (بدی از خوبی) درست باز نشناختند^۲ چه هنگامی که آنان باهم در گفت و شنود بودند^۳ فریب^۴ با آنان فرارسید^۵ آنچه آنان که بد تر منش برگزیدند^۶ آنگاه باهم بسوی خشم^۷ شتافتند^۸ نازندگی^۹ مردم تباہ کنند^{۱۰} ☉

۷ † و با او خشم فرارسد، و هوممنگه و آشا و باند ام^۲ (او) آرمیتی پایداری و استواری^۳ دهد، آنچه آنان که او در برابر پاداش^۴ تو از (آزمایش) آهن^۵ نزد آنان^۶ نخستین گردد ☉

۸ و هنگامی^۱ که سزای^۲ این گناهکاران^۳ فرارسد، پس آنگاه، ای مزدا، کشورت^۴ را بهمن دریایان^۵ برپا کند^۶ از برای کسانی که دروغ را بدستهای راستی سپردند^۷ ‡ ☉

۹ و خواستاریم از آتاف باشیم^۱ که زندگی^۲ تازه^۳ کنند^۴ ای مزدا و شما ای سروران^۵ دیگر و اردیبهشت همراهی تان را ارزانی دارید^۶ آنچه آنان^۷ که اندیشهها^۸ باهم^۹ بوند^{۱۰} در آنچهائی^{۱۰} که شناسائی^{۱۱} پریشان^{۱۲} است ☉

* دیوها، گروه پروردگاران گمراه کننده در بندهای ۳-۵ ازها ۳۲ و در بند ۲۰ ازها ۴۴ نیز یاد شده اند

† خشم = xshathra = شهریور؛ و هوممنگه = vohu-مانی = manaiah = بهمن؛ آشا (آش) = asha = اردیبهشت؛ آرمیتی = armaiti = سپندارمذ از امشاسپندان یا مهبین فرشتگانند، نابنده^۲ توانائی و منش نیک و راستی و پارسائی دادار اهورا مزدا هستند

از آزمایش آهن گذاخته و آتش بر افروخته که در روز شمار پاک از نایاک و سرمه از ناسره شناخته خواهد شد جداگانه سخن داشتیم درباره^۲ این آزمایش به بند سوم و نوزدهم ازها ۳۱ و بند چهارم ازها ۳۴ و بند چهارم ازها ۴۳ و بند ششم ازها ۴۷ و بند نهم ازها ۵۱ نیز نگاه کنید

‡ در بند چهاردهم ازها ۴۴ نیز از گرفتار نمودن دروغ و بدست راستی دادن سخن رفته است

۱۰ * آری ۱، آنگاه بکامیابی ۲ (جهان) دروغ شکست ۳ از پی
 رسد ۴، ابدون ۵ بیاداشی که ییمان شده ۶ در سرای نیک ۷
 بهمن ۸ (و) مرزا و اردیبهشت کافی در پیوندند ۹ که
 نیکنامی ۱۰ جستند ۱۱ ☉

۱۱ اگر شما مردمان آیینی ۱ که مرزا فروفرستاد ۲ در یاقید ۳ —
 (از یک سو) آسایش ۴ (و از سوی دیگر) رنج ۵ زیان ۶
 دیربایا ۷ از برای پیروان دروغ و سود ۸ از برای پیروان
 راستی — پس آنگاه ۹ آینده بکام ۱۰ خواهد بود ☉

(۱۰) سو سے زیادہ مال نہ ہوگا اور اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔

(۱۱) مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔
 مال نہ ہوگا۔ اس سے زیادہ مال نہ ہوگا۔

(یستاها ۳۱)

۱ * بیادا^۱ فرمان^۲ تان^۳ بیاگاهانم^۴ سخنانی که ناشنیدنی است*
 از برای کسانی که از روی دستور دروغ^۶ جهان^۷ راستی
 تباه کنند^۸ ایدون بسیار خوش^۹ از برای آنانی که
 دلداد^{۱۰} مزدا هستند ☉

۲ چون^۱ آن راه^۲ بهتر^۳ که باید برگزید^۴ پدیدار^۵
 نیست، پس از نیرو^۶ من بسوی همه^۷ تان آیم^۸ داور^۹ هر
 دو گروه^{۱۰}، آنچه^{۱۱} که مزدا اهورا مرا میشناسد^{۱۲}، تا اینکه
 ما از روی دین راستین زندگی بسر بریم^{۱۳} ☉

۴۵۸

* این ها چنانکه های ۵۱ دو بلند ترین سرودهای گاتها، هر يك را ۲۲ بند است در این ها زرتشت بوبه از پیامبری و آیین خویش سخن میدارد، سخنانی که دوستان راستی را شیرین و دروغ خواهان را تلخ مینماید پیغمبر مردم را براه راست خوانده فرماید: چون خودتان راه راست را نتوانید دیدن، مرا اهورا مزدا داور هر دو گروه از مردمان، چه نیکن و چه بدان برانگیخت تا راه راست بنمایم و در ستیزه^۱ خوبی و بدی داوری کنم و خود اهورا مزدا گواه درستی من است. امید است دادار مرا در دین گستری و آیین پروری یاری کند و از ستایش مزدا و نیایش امشاسپندان دروغ را براندازیم و بدانیم که سر انجام چگونه خواهد بود. آنکه مرا در راه دین راستین یاری کند از بخشایش کشور مبنوی بهره ور گردد و اهورا، آفریننده^۲ دین راستین وی را بتوازد، آری داوری کردارهای این جهان در جهان دیگر با خود مزدا است.

آنچه^۱ که فرشته^۲ نکهبان چارپایان سودمند از برای پرورش آنها برزبکران گله پرور برگزید و از پیایان نوردان دوری^۳ جست، مردمان راست که از برای رستگاری خود آزادانه دین مزدا برگزینند و با آواز راست گفتار گوش فرا دهند نه بیانک دروغ، خردترین

(تجدید و اصلاح - ۳۱)

(۱) کارخانه‌ها و کارگاه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.
 کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.
 کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.
 کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.
 کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.

(۲) کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.
 کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.
 کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.
 کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.
 کارگاه‌ها و کارخانه‌ها را در صورت لزوم تعطیل نماید.

۲۵۹

گاهی که در این کیتی از مردم سرزند، مرزا با دیده خود بیناست. از آنچه شده و از آنچه خواهد شد و هرچه از پاك و تا پاك بروز کنند همه در روز پسین بشمار خواهد آمد هر آنکه بشهریار بدکار و جانور آزار یاری کند سزای خود بیند زرتشت نیک اندیش کسی است که مرزای را از برای آبادی مرز و بوم برانگیخت اوراست بزرگی و برتری زیرا که پیرو راستی است.

مبادا کسی از شما به پیشوای کیش دروغین گوش دهد چه از او جز سیه روزی و ویرانی مرز و بوم نیاید چنین گمراه کنندگان را راند باید بکسی گوش فراداد که پرشک زندگی است کسی که جز بر راستی لب نگشاید و در روز آزمایش پسین بایدار تواند ایستادن کسی که به پیرو راستی نزدیک شود، از رنج و شکنج دوزخ دور ماند و کسی که نه چنین کند بان دچار آید. خوشا بکسی که دلش در اندیشه و کردار با مرزاست و از رسائی و جاودانی و راستی و توانائی و منش نیک برخوردار است. بیغمبر در پایان گوید بیک اندیشان روشن است که زرتشت با گفتار و کردار خویش یاسبان راستی و نگهبان کشور مبنوی و کار گزار ترین باور اهوراست.

۳ * آن سزائی^۱ که از خرد^۲ و آذرت^۳ خواهی داد -
و بدستیاری دین راستین آموزانیدنی^۴ - بدو هماورده^۵
چیزی که بر گزیدگان^۶ را آموزشی^۷ است، آن را بما بگو^۸
که بدانیم^۹، ای مزدا، با زبان دهان^{۱۰} خود تا اینکه من همه
زندگان^{۱۱} را بگروانم^{۱۲} ۰۰

۴ هر آنگاه راستی خوانده شد^۱ و مزدا و سروران دیگر^۲
و اشی^۳ و سپندارمذ نیز پس آنگاه، ای بهمن آرزومندم^۴
از برای خویش شهریاری^۵ نیر و مند^۶ (ایزدی) تا از
بالتدگی^۷ آن بدروغ چیره شویم^۸ ۰۰

۵ ایدون بیاکاهان^۱ مرا از آن بهتری^۲ که بمن از دین
راستین خواهید داد، تا اینکه من ای بهمن باز شناسم^۳ (و)
دریابم^۴ و بیاد سپرم^۵ که چرا از من رشک برند^۶ بویژه
ای مزدا اهورا، از آنچه نخواهد شد و از آنچه خواهد شد ۰۰

۴۶۰

۶ † از برای او خواهد بود، آنچه بهتر است، از برای آن دانائی^۱
که بمن بگوید آشکارا^۲ سخن^۳ دین راستین درباره^۴ رسائی
و جاودانی^۵ : آن کشور مزدا که بهمن از برای او خواهد
برافراخت^۶ ۰۰

* یعنی خواستار است که از خود اهورا مزدا سزای کردار دو گروه: نیکوکاران
و گناهکاران را پس از آزمایش پسین بشنود تا مردمان را نیز از آن آگاه سازد
و براه راست دین آورد. در بند هفتم از های ۳۰ از آزمایش روز پسین یاد شده است
† اشی سییو. ashi فرشته^۱ پاداش است بیاد داشت آن نگاه کنید
‡ آن دانائی که مرا از آنچه در دین در باره^۱ رسائی و جاودانی آمده آگاه سازد
کشور مزدا (= بهشت) که بهمن (= منش نیک) آن را خواهد آراست. پاداشی که از هر چیز
بهتر است، بدو ارزانی باد

۱۱ آنگاه که از برای ما تو، ای مزدا، در آغاز جهان^۱ دین^۲
آفریدی^۳ و از منش خویش خرد بخشیدی، آنگاه که بجان^۴
تن^۵ دادی، آنگاه که کردار^۶ و آموزش^۷ (نمودی)، تا
هر کس آزاد^۸ کیش^۹ پذیرد^{۱۰} ۰۰

۱۲ همانگاه^۱ آواز برداشت^۲ دروغ گفتار^۳ مانند راست گفتار،
دانا^۴ مانند نادان^۵ (هر يك) از دل و منش^۶ خویش
سیندارمذبی در پی^۷ در پرشش است باروان^۸ کسی که
هنوز در سرگردانی است^۹ ۰۰

۱۳ * هر آن (کردار) آشکار^۱ یا نهانی^۲ که در بازخواست
پرسند^۳، ای مزدا، یا اگر کسی از پی گناه^۴ خرد^۵
(خویش) بزرگترین رهایی^۶ (از آن آرایش) بازجوید^۷
از همه اینها تو بدرستی آگاه^۸ و با دیدگان^۹ روشن^{۱۰}
نگرانی^{۱۱} ۰۰

۴۶۴

۱۴ این از تو میپرسم، ای اهورا، از آنچه رفت و از آنچه خواهد
آمد^۱، از آن وامی^۲ که باید و مزدی^۳ که پاکان و ناپاکان
راست^۴، ای مزدا، چگونه خواهد بود این در شمار یسین^۵ ۰۰

* هر آن کردار نیکی که از مردم سرزند و هر آن کردار بدی که در خور
کیفر است و از آن در روز شمار بازخواست کنند مزدا آگاه است خرد ترین گناه
همچنان بزرگترین کوششی که بس از پشیمانی از برای پاک کردن آرایش آن گناه کنند
همه را اهورا بیناست
در گزارش پهلوی = زند آشکار و نهان یعنی خوبی و بدی گرفته شده زیرا که مردم
کار نیک آشکارا کنند و کار بد در نهانی

۱۵ * این را میپرسم، چه چیز است سزای^۱ کسی که از برای دروغپرست^۲ شهریاری^۳ فراهم کند؟ از برای آن بدکنشی^۴، ای اهورا، که مایه زندگی^۶ خویش نیابد^۷ جز^۸ آزار^۹ چارپایان^{۱۰} و کارگران^{۱۱} کشاورز^{۱۲} راستکردار^{۱۳} ۰۰

۱۶ † این را میپرسم، آن نیک اندیشی^۱ که از برای افزایش دادن^۲ بتوانائی^۳ خان و مان^۴ یا روستا^۵ یا کشور^۶ با راستی کوشاست^۷ مانند تو^۸ خواهد گردید، ای مزدا اهورا، کی او چنین خواهد شد و بکدام کردار ۰۰

۱۷ کدام است بزرگتر^۱: پیرو راستی یا آنکه بدروغ گروید^۲ دانائی باید دانائی را (از آن) بیآگاهاند^۳ مباد^۴ نادان^۵ (کسی را) پس از این بفریبد^۶ ما را تو، ای مزدا اهورا، آموزگار^۷ منش نیک باش^۸ ۰۰

۴۶۶

۱۸ ‡ مباد^۱ کسی از شما بگفتار و آموزش^۲ دروغپرست گوش دهد^۳ چه او بخان و مان و ده و روستا و کشور^۴ ویرانی^۵ و تباهی دهد^۶ - پس با ساز جنگ^۷ آمان را برانید^۸ ۰۰

* در کتاب نهم دینکرد که از مندرجات اوستا سخن رفته در فصل سی ام در قهره^{۱۹} در باره^{۲۰} مطلب همین بند یازدهم از هات ۳۱ آمده: «بدترین یاد شاه آن بد دین و بد کنشی است که از برای یاره (= پارك (سلوود. رشوه) هم نیکی نکنند، کسی است که کشنده^{۲۱} یگناه است باد افرا^{۲۲} (= سزا) گران در دوزخ از برای کسی است که چنین دروند (= نایک) را یاد شاه کند» بدینکرد چاپ سنجانا جلد ۱۷ ص ۹۶ نگاه کنید

† نیک اندیش خود پیغمبر زرتشت است

‡ در اینجا چنانکه در بند دوم از هات ۳۳ و در بسیاری از بند های دیگر گانها «بنه روغپرست» یکی از پیشوایان دیویسانست که مردم را بکیش دروغین خوانده گمراه میکند تحت چهارم از هات ۴۶ نگاه کنید

۱۹ * بآن کسی باید گوش فرا داد که براستی اندیشیده^۱ بآن
داناائی که پزشك زندگی^۲ است ای اهورا بآن کسی که
سخن زبان^۳ خویش آنچهنان که باید^۴ استوار نمودن^۵
تواند^۶ در برابر آذر افروزان^۷ تو، ای مزدا، در هنگام
بخش^۸ مزد^۹ هر دو گروه^{۱۰} ۰

۲۰ † کسی که بسوی پیرو راستی^۱ آید^۲، دور ماند^۳ از او
در آینده^۴ بد بختی^۵ (و) تیرگی^۶ بلند^۷ دیر پایا^۸ (و)
خورش^۹ بد^{۱۰} (و) بانگ^{۱۱} دروغ^{۱۲}. چنین خواهد بود
روزگار^{۱۱} تان، ای پیروان دروغ، اگر از کردارتان دین^{۱۲}
خودتان (شمارا بآنجا) کشاند^{۱۳} ۰

۴۶۸

۲۱ مزدا اهورا (نیروی) خداوندی^۱ رسای^۲ خویش و انبازی^۳
پایدار^۴ با رسائی و جاودائی و با راستی^۵ با توانائی، با منش
نیک^۶ بکسی بخشد که در اندیشه^۷ و کردار دوست^۸
اوست ۰

* آن داناائی که درمان زندگی در دست اوست خود زرتشت است، کسی است که
در روز واپسین آنگاه که از برای آزمایش بزرگ آذر ایزدی زبانه کشد و از تابش آن
پاك از ناپاك شناخته گردد و هر يك از دو گروه نیکوکاران و بزهگران پاداش و پادافراه
یابند، راستی و درستی سخنان خویش استوار تواند ساخت

† پیرو راستی با آیین راستین خود پیغمبر زرتشت است، کسی که بدو گردد رستگار گردد
آنانی که بدروغ پیوندند در روز بسین در مانده و بیچاره شوند از کردار زشت خود

۲۲ پیداست^۱ این بنیک اندیش^۲ همچنان^۳ بکسی که درمنش
 خویش بآن آگاه گردید؛^۴ اوست^۵ که راستی را با کشور
 نیک^۶ از گفتار و کردار خود نگاهداری کند^۷، اوست،
 ای مزدا اهورا، که کارگزارترین^۸ یاور^۹ تو خواهد بود ۵۵

(22) מכתב-האגודה

מכתב-האגודה . מכתב-האגודה . מכתב-האגודה .
 מכתב-האגודה . מכתב-האגודה . מכתב-האגודה .
 מכתב-האגודה . מכתב-האגודה . מכתב-האגודה .
 מכתב-האגודה . מכתב-האגודה . מכתב-האגודה .
 מכתב-האגודה . מכתב-האגודה . מכתב-האגודה .
 מכתב-האגודה . מכתב-האגודה . מכתב-האגודה .

(یسفاها ۳۲)

۱ * و بایدش آزادگان خواستار باشند^۱ همانا برزیکران با
یشوایان^۲، شمانیز، ای دیوها، از روی آموزش من^۳ آن
شادمانی^۴ اهورا مزدا را - بر آنیم چون کاشتن^۵ تو دور
بداریم^۶ آنانی را که بدخواهند^۷ ۵

۲ † بآنان مزدا اهورا، (خدای) با منش نیک یگانه^۱ و دوست
خوب^۲ راستی درخشان^۳ از توانائی (خویش) پاسخ
گفت^۴ : از برای یارسانی^۵ یا ک^۶ تان برگردیدیم^۷ که شما
از ما باشید ۵

۲۷۲

۳ ‡ ایدون شما، ای دیوها، همه از نژاد^۱ منش زشت^۲
هستید^۳ و همچنان آن کسی^۴ که شما را بسی^۵ میپرستد از
دروغ و خودستائی است^۶ پس اینچنین^۷ دیر باز^۸ از
کردارتان^۹ در هفتم^{۱۰} بوم^{۱۱} نامبردار^{۱۲} شدید ۵

* در این هات که دارای شانزده بند است پیغمبر مردم را بدین خود خواند و از
آسیب کیش دروغین دیوها سخن میدارد همچنین از یشوایان گمراه کتنده و آزار و ستمی که از
آنان بر دم رسد و از سزای آنان در روز پسین پیغمبر در بابان این ها امیدوار است که
بتواند نیکان را از گزند ناباکان برهاند و دست یابد آنان را کوتاه سازد
در نخستین بنده در نخستین بخش پیغمبر هر سه گروه از مردمان را که لشکریان یا
آزادگان و برزیکران و یشوایان دینی باشند و همچنین دیوها، پروردگاران دروغین آریائی
و یروان آنان را بدین خود و بشادمانی و خوشنودی اهورا مزدا میخواند در بخش دوم
این بنده نایندگان پیشه و ران سه گانه در پاسخ گویند: بر آنیم فرمان بریم و دشمنان آیین دور

۴ از آنهنگامی که شما فرمان گزارده^۱ آنچه بد تراست^۲ دهید^۳ ،
دوستان دیوها^۴ باید خوانده آمانی را که از منش نیک
دور شوند^۵ (و) از خرید^۶ مزدا اهورا و راستی^۷
برگردند^۸ ۰۰

۵ * اینچنین گمراه میکنید^۱ مردم را از زندگی خوب^۲
و جاودانی^۳ با کرداری که اهریمن^۴ با پندار زشت و گفتار
زشت بشما دیوها (آموخت)، که او^۵ از برای تباهی^۶
به پیرو دروغ آموزايند^۷ ۰۰

۶ † از بسیاری^۱ گناه^۲ او باین رسید^۳ که دارای آوازه و
نام گردد^۴ — هر چند اینچنین^۵ : تو مزد (هر کسی)
بیاد داری^۶ ، ای اهورا (و) از بهتر منش از آن آگاهی^۷
در کشورت، ای مزدا، فرمان^۸ تو و دین راستی داده
خواهد شد^۹ ۰۰

۴۷۴

۷ ‡ دامانبايد بهیچیک^۱ از این گناهان دست برد^۲
کامیابی^۳ بسود^۴ چنانک^۵ شنیده شده^۶ ، از آهن گداخته^۷
نوید داده شود^۸ — سرانجام^۹ گناهکاران را تو آگاه تری^{۱۰} ،
ای مزدا اهورا ۰۰

* در بند ششم از هات ۳۰ دیدیم که دیوها از آغاز آفرینش بروان تیره با اهریمن
روی کرده دروغ برگزیدند
† یقیناً فرماید: هر چند که گرهم *Grēhma* از گناهان خویش دارای
نام و نشانی شده اما اهورا مزدا از منش یاک خویش آنچه در خور هر کسی است یاد
دارد و در روز واپسین در کشور مینوی فرمان آن خواهد رفت
‡ رستگاری و رسیدن بسود و یاداش مینوی پس از آزمایش آهن گداخته و شناختن
یاک از نایاک خواهد بود

(۴) خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

(۵) خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

۴۷۵

(۶) خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

(۷) خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

خدمات و خدمات. (تاسیسات و خدمات)

۸ * از این گناهکاران شناخته شده ۱ جم و یونگهان ۲ کسی که از برای خوشنود ساختن ۳ مردم ما ۴ پاره گوشت ۵ خوردن ۶ آموخت از آنان ۸ از تو، ای مزدا، پس از این ۹ باز شناخته خواهم شد ۱۰ ☉

۹ آموزگار بد ۱ گفتار ۲ را تباه کند ۳ و خورد ۴ زندگی ۵ را با آموزش ۶ خویش، او باز میدارد ۷ از اینکه دارائی ۸ منش نیک، بلند داشته شود ۹ با این سخنان ۱۰ روانم ۱۱ گله گزارم ۱۲ بشما، ای مزدا و ای راستی ☉

۱۰ اوست کسی ۱ که گفتار را تباه سازد، کسی که از چارپا ۲ و خورشید ۳ بزشتی ۴ یاد کند، ۵ آنچه آن که با دو دیده ۶ توان دیدن ۷، و کسی که بخرد را ۸ پیرو دروغ بشمار دهد و کسی که کشت زار را ۹ بیابان کند ۱۰ و کسی که تبریزین ۱۱ بروی پیرو راستی کشد ۱۲ ☉

۴۷۶

۱۱ آنانند که زندگی را تباه کنند، آن پیروان دروغ که بسی ۱ بر این اندیشند ۲ کد بانوان و کد خدایان ۳ را باز دارند ۴ از رسیدن ۵ به بخشایش ۶ (ایزدی)، آنان، ای مزدا، پیروان راستی را از بهتر منش روگردان سازند ۷ ☉

* از جشید پسر و یونگهان (= و یونجهان) جداگانه سخن داشتیم

۱۲ * چه آمان روگردان کنند با گفتار^۱ شان مردم را از بهتر کردار بآمان مزدا نفرین^۲ گوید، کسانی که زندگی چار پارا با خروش شادمانی^۳ تباہ کنند^۴ نزد آمان گرهیم و کسانی برآستی برتری داده شدند^۵ (همچنین) کرین و شهر یاری آمانی که دروغ خواستارند^۶ ۵۵

۱۳ † چه در کشور (پسین) ^۱ گرهیم در خان و مان^۲ بدتر منش فرود خواهد آمد^۳ و تباہ کنندگان^۴ این جهان^۵ ای مزدا آنگاه ناله بر آرند^۶ بآرزوی^۷ پیک^۸ پیغمبر^۹ تو، که آمان را از نگرستن^{۱۰} آشا^{۱۱} باز خواهد داشت^{۱۲} ۵۵

۴۷۸

۱۴ ‡ از برای ستم^۱ بوی^۲ گرهیم و گویها^۳ دیر باز^۴ است که خرد و ورج^۵ خویش فرو نهادند^۶ چه آمان بر آن شدند^۷ که دروغ پرست را یاری کنند^۸ و گفته شده که چارپا از برای کشتن است^۹ تا اینکه مرگ زدای^{۱۰} را بیاری کردن بر انگیزانند^{۱۱} ۵۵

* در این بند از کشتار گاو و گوسفند که دیو یسان در جشنهای دینی خود بجای آورند یاد شده نزد پیغمبر ایران کشتار (قربانی) مایه^۱ خوشنودی خدا نیست بگانه پرستی که بدرگاه مزدا پذیرفته شود همان نیاز راستی است بدای کسانی که از راه راست برگشته پیغمبر گمراه کنند. چون گرهیم و پیشوایان دین دروغین کرینها و سدسها: karapan را پیروی کنند به بند یستم از هات ۴۴ نیز نگاه کنید

† چون رستاخیز فرا رسد و کشور مینوی مزدا آراسته گردد گرهیم و همه کسانی که جهان را بوزانی و تباہی کشانیدند، بدوزخ، بآن سرای اندیشه^۱ ناپاک در آیند، آنگاه پشیمانی سود ندهد هر چند که بآرزوی رسیدن به پیک ایزدی و دین راستین ناله و خروش

۱۵* از اینرو^۱ کرینها و کویها آسیب یابند^۲، از (همان) کسانی که آنان روا نمیداشتند^۳ که بزنگی^۴ خویش آزادانه^۵ فرمان رانند^۶
آن کسان را (این) دو^۷ بخان و مان منش نیک^۸ خواهند برد^۹ ∞

۱۶† «از هرچیز بهتر آموزش^۱ مرد یارسانی^۲ است که از روی هوش^۳ باشد» تراست، ای مزدا اهورا، توانائی، بهر آنکسی که مرا بازار^۴ بیم^۵ دهد، آنچه آن که من پیرو دروغ را در آزدن^۶ دوستانم^۷ باز توانم داشت^۸ ∞

* در روز داوری پسین، پیشوایان و فرماگزاران دیوسنا از همان کسانی که امروزه از آنان در رنج اند و در زندگی خود آزاد نیستند، دچار و گرفتار آیند و آن ستم دیدگان از بخشایش ایزدی برخوردار گشته بخان و مان منش نیک (= بهشت) در آیند این «دو» روشن نیست که چه کسانی در گزارش پهلوی (زند) امشاسپندان خرداد و اسرداد دانسته اند

† نخستین فرد این بند: ... در ... چنان میناید که درهم و برهم شده باشد گلدز Geldner و یوناک Baunack و دانشمندان دیگر کم و بیش از آن سخن داشته اند 28, 258 zeitschrift fur vergleichende Sprachforschung Baunack Studien I 463-466

این فرد را نگارنده از روی گزارش پهلوی (زند) بخاری گردانیده است در این بند ینغیر امیدوار است که از یاری اهورا مزدا بتواند آسیب بیروان دروغ را از دوستان خود دور بدارد

(١٥) ما شاء الله ما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

(١٦) ما شاء الله ما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

وما شاء الله وما شاء الله

(یسناهات ۳۳)

۱ * آنچنان که در آیین ۱ نخستین ۲ زندگی ۳ است داوری ۴
با درست تره کردار ۶ رفتار کند ۷ با پیرو دروغ و همچنان
با پیرو راستی و با آنکسی که نزدی (کردار) نادرست ۸
و درست ۹ بهم آمیخته است ۱۰ ۵۵

۲ † کسی که بدروغ پرست ۱ بد ۲ کند ۳ چه با گفتار، چه با
پندار، چه با دستها یا اینکه به پیروش ۴ نیکی آموزانده :
(اینچنین) کسان کام ۶ مرزداهورا و خواست ۷ وی بجای
آورند ۸ ۵۵

۴۸۲

* آنچنان که در آیین نخستین آمده در روز داوری پسین با پیرو دروغ یا گناهگار و با پیرو راستی یا نیکوکار از روی داد رفتار خواهد شد همچنین با کسی که نیمه از کردار جهانی وی ستوده و نیمه دیگرش نکوهیده است در بند چهارم از هات ۴۸ فرماید: کسی که کردارش با نیکی و بدی آمیخته است در روز پسین از نیکوکاران که بسوی بهشت روند و از گناهکاران که بدوزخ در آیند جدا خواهد گردید جای آنان در گاتها نامیده نشده اما در جاهای دیگر اوستا میسوان = misavāna (= میسون = misvan) خوانده شده چنانکه در فرکرد نوزدهم و نیند یاد پاره ۳۶ و در دو سبروزه خرد و بزرگ در پاره ۳۰ و همیشه با کله گاتو gātu گاه جایگاه آمده است در پهلوئی هیستگان hamistakān خوانده شده است هیستگان نزد مزدیسنان بجای purgatoire عیسویان کاتولیک و برزخ مسلمانان است هیستگان از مصدر میس hamistakān میس ham myas در آمده است که در فارسی آمیختن شده است و با جزء ham ham myas همین بنیان است میسون و آن جای کسانی است که کردار نیک و بدشان بهم آمیخته، نه نیکی به بدی فزونی کند که در خور یاداش بهشت گردند و نه بدی بیش از کردار نیک آنان است که بدوزخ روند هیستگان جمع هیستک hamistak یعنی بهم آمیخته چون در جلد خرده اوستا ص ۱۸۱ - ۱۸۴ از هیستگان سخن داشتیم در اینجا بیش از این نباید فقط

(وَاذْكُرْ لَنَا تِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ)

(۱) وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ
 وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ
 وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ
 وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ
 وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ

(۲) وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ
 وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ
 وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ
 وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ
 وَتِلْكَ الْأُمَّةَ الَّتِي كُنَّا عَلَيْهَا تَرَكْنَا مَبْعَثِينَ رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ فَكَفَرُوا بِهَا فَاخْتَلَفْنَا فِي الْإِثْمِ أَشْقَىٰ

۴۸۳

قره های ۱۴ - ۱۵ از فصل دوازدهم مینوخر در باد آور میشود: «آن را که کرفه (ثواب) و گناه یکسان است جایش در هستکان است، آن را که بزه (گناه) بیش است راه - دوزخ پوید» در ارداویرافنامه در فصل ششم ارداویراف در گردش بهشت و دوزخ گوید: «بجائی فراز آمدم که روان چند مردم گرهم آمده بودند، از سروش پیروزگر و ایزد آذر پرسیدم: اینان چه کسانیست و چرا اینجا هستند؟ سروش پیروزگر و ایزد آذر بن گفتند این جایگاه را هستکن نامند این روانها تا تن بسین (= روز بسین، رستاخیز) در اینجا بمانند اینان روان کسانی هستند که کرفه و گناهشان یکسان است. بجایان بگو: مگذارید آرزو آزار شما را از کرفه آسان بدست آمدنی باز دارد، چه روان، اگر کرفه سه سروشوچرانام *sroshōčaranām* (وزن سبکی است بجلد وندیداد کنزارش نگارنده بانجام مقاله یاد افراه نگاه کنید) بگناه فزونی کنند به بهشت رود اگر گناه سه سروشوچرانام از کرفه بیش باشد روان بدوزخ شود: آنکه را کرفه و گناه یکسان است تا تن بسین (= روز بسین) در هستکن بماند. یاد افراه (سزای) آنان سردی و گرمی است که از اندروای (= هوا) آید جز از این آنان را رنج دیگر نباشد»

† در بند هجدهم از هات ۳۱ و در بند چهارم از هات ۴۶ نیز از بد کردن به بدان سخن رفته است

۳ * کسی که از برای پیرو راستی بهتری (خواهد) آزاده یا کشاورز یا پیشوا^۱ و یا کسی که با کوشش^۲ از چارپا نگاهداری کند^۳ آنکس (روزی) در چمن^۴ راستی و منش نیک خواهد بود ∞

۴ † منم، ای مزدا، که از یرستش تو بزدا^۱یم^۱ نافرمانی^۲ و بد منشی را و از آزاده خیره سری^۳ و از کشاورز همسایگان^۴ دروغ و از پیشوا نکوهیدگان^۵ را و از چمن چارپایان بدتر (بن) نگهدار^۶ را

۵ منم آنکه سروش^۱ از همه بزرگترت را^۲ بیاری^۳ خواهم خواند^۴ آنکه که زندگی جاودانی^۵ یابم^۶ در آن کشور منش نیک^۷، در آن راه^۸ درست^۹ راستی، نزد کسانی که مزدا اهورا آرام دارد^{۱۰} ∞

۴۸۴

۶ منم آن پیشوا^۱ که از آیین راستین (راه)^۲ درست (بیاموختم) اینک از بهتر منش^۳ خواستار آموختن^۴ برزیگری^۵ و با چنین منشی^۶ بکار انداختن^۷ آن، باین امید^۸ سراآرزو است^۹، ای اهورا مزدا، این (امشاسپند)^{۱۰} تو دیدن^{۱۱} و پند پرسیدن^{۱۲} ∞

* چمن راستی (آشا) و منش نیک (وهمنگه) فردوس است چنانکه کشور منش نیک که در بند پنجم هین هات آمده بهین معنی است و خان و مان بدتر منش که در بند سیزدهم از هات ۳۲ گذشت به معنی دوزخ است
† پیشبر امیدوار است که در مزدا پرستی درمان درد جهانیان بدست آورده باشد و بتواند نافرمانی و منش زشت از خاکبان دور کند و سه گروه سردمان را که لشکریان و برزیگران و داناتان باشند از آزار خیره سران و دروغ آزمایان و نکوهندگان برهاند و دست گاشنگان یدادگر از کشت زارها کوتاه سازد

(۳) قمار - مصلحت‌انگیزی - قمار و قمارخانه‌ها

مقامات دولتی - قمار - قمارخانه‌ها

مقامات دولتی - قمار - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمار - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

(۴) قمار - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

۴۸۵

(۵) قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

(۶) قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها - قمارخانه‌ها

۷ * بسوی من آید^۱ ، ای بہتران، خود^۲ پدیدار^۳ (سازید)،
 ای مزدا، ای اردیہشت، ای بہمن، تا اینکہ بہمن، گذشتہ^۴
 از مغان^۵ ، (دیگران) نیز گوش فرادہند^۶ باید اندر میان^۷
 ما آشکار^۸ (و) پیدا^۹ باشد رادیہای^{۱۰} نماز گزارندگان^{۱۱} ۵۵

۸ دادخواہیم را^۱ کہ (بندشما) میآورم^۲ فراشناسید^۳ ، ای
 بہمن (و) درودم^۴ را از برای مانند شما^۵ کسانی، ای
 مزدا، ای اردیہشت، (و) بسخنان ستایشم^۶ ارزانی دارید،
 ای خرداد و امرداد بخشایش^۷ پدیدار^۸ تان را ۵۵

۹ † خردا^۱ تو، ای مزدا، با رامش^۲ دیواران^۳ راستی افزا^۴
 بآن کسی کہ از من روش دیگر^۵ یافتہ بہترمنش ارزانی
 دارند^۶ (آری) از یآوری^۷ آن دو برخوردار شویم^۸ آمانی
 کہ روانشان یگانہ است^۹ ۵۵

۱۰ ‡ ہمہ^۱ خوشیہای زندگی^۲ کہ تراست، چہ آنہائی کہ
 بودند، و آنہائی کہ ہستند^۳ و آنہائی کہ، ای مزدا،
 خواہند بود^۴ : بخواست^۵ خودت آنہا را (بما) بخشای^۶
 بدستیاری بہمن بر افزای^۷ ، بدستیاری شہریور و اردیہشت
 رستگاری^۸ تن^۹ ۵۵

۲۸۶

* در این بند یغمبر خواستار نایش بر تو ایزدی و فروغ راستی و پاک منشی است
 تا اینکہ گذشتہ از پیروانش یا مغان، سخنانش نزد دیگران ہم شنوندگان پیدا کنند
 † در سر این بند بسیار پیچیدہ و دشوار بسیار گفتگو کردہ اند از گزارش
 پہلوی (زند) این بند کہ برخی از دانشمندان خواستہ اند رگہی بکشایند، خود پر از بیج
 و گرہ است بنا معنی کہ نگارندہ برگزیدہ متصوّد این است: کسی کہ از آیین یغمبر بہرہ یافتہ
 و رہ و رسم دیگر پیش گرفتہ خرد پاک ایزدی با رامش و بخشایش خرداد و امرداد بانکس
 بہترین منش دہند

از یآوری این دو امشاسیند کہ روانشان یکی است رسائی و جاودانی ارادہ شدہ است
 یاد داشت شماره ۴ از بند ششم از ہات ۳۱ نگاہ کنید

‡ یغمبر خواستار است کہ دینداران در ہمین جہان از ہمہ خوشی و رامش زندگی
 کہ مزدا یا فرید برخوردار باشند و بیانچی امشاسیندان: بہمن و شہریور و اردیہشت
 افزایش و کشایش یا بند و بکام دل رسند

(7)

(8)

487

(9)

(10)

۱۱ * تو ای اهورا مزدای توانا تر^۱ و سپندارمذ و اردیبهشت
جهان افزا^۲ و ای بهمن و شهریور بمن گوش فرا دهید و با
من در آ^۳ مرزش^۳ باشید آنگاه که پاداش^۴ هر کسی از پی رسد ☉

۱۲ † بمن روی آر^۱، ای اهورا، از سپندارمذ توش (و توان)^۲
ده، از یا کتر روان^۳، ای مزدا^۴ پاداش^۴ نیک زوره^۵ (بخش)،
از اردیبهشت زبردستی^۶ نیرومند^۷، از بهمن بخشایش^۸ (ده) ☉

۱۳ از برای نکهداری^۱ من، تو ای دور بیننده^۲ چیزهای بیمانند^۳
کشورتان را چون پاداش^۴ منش نیک بمن ارزانی دارید^۵
ای اهورا، ای سپندارمذ بنهاد^۶ راستی آموز^۷ ☉

۴۸۸

۱۴ ایدون از برای دهش^۱، زرتشت^۲ زندگی^۳ خویشتن^۴
(و) پندار نیک و کردار نیک و گفتار برگزیده^۵ (خود را)
به مزه دهد (و) بدین راستین فرمانبری^۶ و توانائی^۷ ☉

* یعنی ابدوار است که اهورا و امشاسپندانش: آرمیتی سلاهسرهه (armaiti =) سپندارمذ) و آتش سبب (asha =) اردیبهشت) و هومنگه ولایه دهسرهه (vohu manah =) بهمن) و خشتهر بلایه سلاه (xshathra =) شهریور) در روز یسین آن هنگامی که از برای کردارهای نیک پاداش بخشیده شود، آرزوش و بخشایش خود را از وی دریغ نکنند در بنای بیست و هفتم در پارهای ۸ - ۱۱ به بندهای ۱۱ - ۱۴ این هات نیز برمیخوریم † بندهای ۱۲ - ۱۴ از هات ۳۳ در پارهای ۱ - ۳ از آتش بهرام نیایش آورده شده است

(پسنا هات ۳۴)

۱ * کردار (و) کفتار و پرستشی^۱ که تو از آنها، ای مزدا،
جاودانی و راستی ارزانی خواهی داشت^۲ و کشور رسائی^۳
از همانها ترا بر آن داریم، ای اهورا، که بیش از بیش^۴ بما
بخشائی^۵ ☉

۲ † و با پندار (و) کردارِ منش نیک^۱ و مردپارسا^۲ که روانش
براستی پیوسته^۳ همه آنها را به پیشگاه^۴ تو آورد، (بآن
پیشگاه) نیایش^۵ شما، ای مزدا، با سرودهای ستایش^۶ ☉

۴۹۰

۳ ‡ ترا، ای اهورا و راستی، بانهاز^۱، تمیزد^۲ پیش آوریم^۳ تا
اینکه از منش نیک همه جهانیان را^۴ در کشور (جاودانی)
رسا سازید^۵ آری همواره نیک اندیش^۶ برخوردار است^۷
از سوده^۸ مانند شما^۹ کسانی، ای مزدا ☉

* در این بند از (زندگی) جاودانی (= آمرتات سهردهسج. ameretat امرداد) و جهان راستی (= آش سهردهسج. asha) و کشور رسائی (= هوروات سهردهسج. haurvatāt خرداد) زندگی مینوی آینده بهشت که باداش کردار و کفتار و پندار است اراده شده است همین کردار و کفتار و پرستش (= پندار) است که مزدا را با سر زیدن بندگان خواهد وا داشت

† اینمبر همه پندار و کردار و کفتار نیک بیرون را در بارگاه ستایش مزدا تا روز شمار نگهداری خواهد نمود در بند یازدهم از هات ۲۸ دیدیم که ینمبر فرماید: نگهداری کردار و پندار نیک با من است هر آنچه در جهان از مردم سرزند همه در گنجینه کردار

- ۴ * از آذر تو که از راستی زورمند^۱ است، ای اهورا، از آن نیرومندی^۲ که ییمن رفته^۳، خواستاریم^۴ که بدوستان^۵ آشکارا رامش دهند^۶ 'بود^۷، نک، ای مزدا، بدشمن^۸ بخواست دست^۹ توهویدا رنج دهند^{۱۰} ۰
- ۵ † چه شهر یاری^۱، چه توانگری^۲ شما در کردار^۳، دارید ای مزدا، اینک که^۴ من بشما ییوستم^۵، ای اردیبهشت ای بهمن از برای پناه بخشیدن^۶ بدرویشان^۷ شما؟ جدا خواندیم^۸ خود را از همه زیانکاران^۹ دیوها و مردمان ۰
- ۶ ‡ چون^۱ بر راستی^۲ شما چنین^۳ هستید، ای مزدا، ای اردیبهشت، ای بهمن، این بمن نشان^۴ خواهد داد: یکسره برگشتن^۵ (چیزها) در همین جهان^۶، آنچه آن که من شادما تتر^۷ پرستشکنان و ستایشکنان^۸ بسوی شما آمیم^۹ ۰
- ۷ § کد امند^۱ راد مردان^۲ تو، ای مزدا، آنانی که شناخته شده^۳ بمنش نیک^۴، از آموزش^۴ خویش با آزردهگی^۵ و رنج^۶ از روی هوش^۷ بهره^۸ ها^۹ سازند^۹؟ جز از شما دیگران^{۱۰} را نشناسم، ای راستی (اشا) یس اینچنین ما را پناه دهید ۰

۴۹۲

* در این بند، چنانکه در بند نوزدهم از هات ۳۱ و در بسیاری از بندهای دیگر از آزمایش آتش افروخته و آهن گداخته یاد شده است در برابر آذر افروزان نیکو کاران گزنده نیابند اما گناهکاران از آن آسیب یافته گناه شان آشکار گردد در اینجا «خواست دست» چنانکه در یاد داشت آن خواهیم دید بمعنی اشاره دست است در روز آزمایش بسین يك اشاره دست داور ایزدی کافی است که زبانه آذر در رامش بخشیدن یازبان رساندن، نیکو کار را از بزهکار و پاک را از ناپاک باز شناساند

† یغیر از آفریدگار برسد: اینک که من و پیروانم از گروه دیوها (بروردگاران آریائی) و مردمان زیانکار روی برگرداننده بتو اهورا مزدا و امشاسپندان اردیبهشت (= راستی) و بهمن (= منش نیک) ییوستیم و من یغیر بر آن شده ام که یینوایان و بیچارگان را پناه باشم، آیا آن برتری و توانائی که شایسته مرا در این کار یاری خواهد کرد؟

‡ توانائی و برتری ایزدی از برای من نشانه خواهد بود از اینکه در این کیتی به برگردانیدن کارهای جهانی کامیاب کردم و این مرا بر آن خواهد داشت که شاد ماتر و

۸ * چه از این کردارها آنان ما را بیم دهند^۱ که در آنها بسیار
گردد^۲ است - چونکه او تواناست^۳ (من) ناتوان^۴ را -
از دشمنی^۵ بآیین^۶ تو ای مزدا
کسانی که برآستی نیندیشند^۷ از آنان جایگاه^۸ نیک دور
خواهد بود ۵۵

۹ † کسانی که سپندارمذ^۱ نزد داننده^۲ تو ارجمند^۳ را،
ای مزدا، آن بد کرداران^۴ فرو گذار باشند^۵ از یاقتن^۶
منش نیک: از آنان راستی بسی^۷ دور ماند^۸ تا چند که از ما
جانوران^۹ بیابانی^{۱۰} ۵۵

۱۰ بدر یاقتن^۱ این کردار منش نیک اندرز داد^۲ خردمند^۳ و به
سپندار مذکار ساز^۴ (آن) یار^۵ راستی (اندرز داد) دانا و بهمه
امیدهای^۶ بکشور (مینوی) تو، ای اهورا مزدا ۵۵

۴۹۴

* پیغمبر گوید پیشوای دیویستان و بیروانش با کردارهای برآسیب وزان برای
دشمنی ورزیدن بآیین مزدا مرا و یارانم راییم دهند زیرا که آن پیشوای دروغین از من
توانا تراست این آسمان که با شایا دین راستین نیندیشند در روز پسین از جایگاه نیک یعنی
بهشت بی بهره خواهند ماند
چنانکه دیده میشود در نخستین جمله این بند فعلها و ضمیرها جمع آورده شده: پیشوای دیو
سنا و بیروان وی؛ پیغمبر زرتشت و یاران وی مقصود اند اما در جمله دوم بصیغه مفرد آورده
شده: پیشوای گمراه کننده و خود زرتشت مقصود میباشند
در گزارش پهلوی این بند از برای نمودن مقصود کلمه اهرموغ *ahrmōgh*
(= اشومغ *ashmogh*) یعنی برهمن راستی یا گمراه کننده که از برای پیشوای
گیش دروغین دیویسنا بکار میرود، یاد گردیده است
† کسانی که از منش نیک بی بهره مانده، امشاسپند سپندار مذ (= آرمیتی) را که نزدیک
دانا بزرگوار و ارجمند است با کردارهای ناستوده یازارند چنین کسان از آئین راستین بسیار
دور اند میشود در اینجا از سپندارمذ زمین اراده شده باشد که نگهبانی آن با اوست

۱۱ * ورسائی و جاودانی دو گانه^۱ تو، چون خورش^۲ (مینوی)
 بکاروند کشور های بهمن با^۳ اردیبهشت (و) سپندارمذ
 استواری^۴ و نیرو^۵ برافر ازند^۶
 اینچنین^۷ ، ای مزدا، تو پیروز سازی^۸ هماورد
 بدخواهت را^۹ ☉

۱۲ چیست آیین^۱ تو؟ چه خواستاری^۲؟ چه ستایش^۳؟ کدام
 پرستش^۴؟ فرا گوئی، ای مزدا، تا اینکه بشنوند^۵ آن پاداشی
 که اشی^۶ بخش خواهد کرد بیاموز^۷ ما را از آن راه^۸
 خوشگذر^۹ منش نیک ☉

۱۳ † آن راه^۱ منش نیک، ای اهورا، که بمن گفתי^۲، آن (راه)
 خوب ساخته شده^۳ راستی که دینهای^۴ (= روانهای)
 سوشیانتها^۵ از آن خواهند خرامید^۶ بسوی^۷ مزدی^۸ که
 بنیک اندیشان^۹ پیمان داده شده^{۱۰} (مزدی) که بخشایش^{۱۱}
 تست، ای مزدا

۴۹۶

* در این بند همه امشاسپندان: بهمن و اردیبهشت و شهریور و سپندارمذ و خرداد و
 امرداد یاد شده اند رسائی و جاودانی معنی هورواتات *haurvatāt* و آسراتات
amərətāt (= خرداد؛ امرداد) است که در متن آمده (یاد داشت شماره ۴
 از بند ششم از هات ۳۱ نگاه کنید)

در اینجا یاد آور میشود که در این بند خرداد و امرداد با کلمه خورش (= خورتهه⁻
xvarəθha آمده و این نودار عقیده است که در مزد یسنا 'خرداد را نگهبان آب
 و امرداد را نگهبان گیاه و رستی دانسته اند کشور بجای خشتهر *xshathra* آمده
 و اردیبهشت در متن آتش *asha* بی صفت و هیشت *vairya* که بمعنی بهتر است
 و سپندارمذ در متن آرمئیتی *armaiti* بی صفت سپنتا *spəntā* که
 بمعنی پاک است، چنانکه خشتهر که گذشت در متن بی صفت و تیره *vairya* که بمعنی

۱۴ * آری ۱، ای مزدا، این (مزد) آرزو شده ۲ را از کنش ۳
منش نیک در زندگی جهانی ۴ بانانی ارزانی خواهید داشت
که همسایه ۵ چارپای باروراند ۶ چه آن در آیین نیک ۷
شماست، ای اهورا، آن (آیین) بخردی ۸ که از راستی به
برزیگران گشایش دهنده ۹ (است)

۱۵ † ای مزدا، مرا از بهترین گفتارها ۱ و کردارها ۲ یا گاهان
شما، ای بهمن و ای اردیبهشت از آن ستایشی که وام ۲
(بندگان است) از توانائی تان، ای اهورا، آشکار ۳ ساز
که زندگی ۴ بخواست ۵ تان خرم ۶ گردد

* در دو بند پیش از مزد نیکوکاران در سرای دیگر سخن رفته در این بند از یاداش ایزدی در همین جهان یاد گردیده است، اهورا مزدا بدستبازی منش نیک (وهمنگه) برزیگران را، آنانی را که چارپایان سودمند پرورند و از گله وره نگهداری کنند با مزد گرانبهای خویش خواهد نواخت
† در بند نهم از هات ۳۰ دیدیم که بیغبر آرزومند است از کسانی باشد که زندگی تازه و خرم کنند باره چهارم از سنا ۲۷ از همین بند است

(၁၄) နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်

(၁၅) နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်
 နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ် နေ့စဉ်

၄၄၄

اشتودگات (بسناهات ۴۳)

۱ * بكام دل خواستارم از برای هر يك، آنچه را که او خواستار است، که مزدا اهورای کام فرما ۱ بدو ارزانی دارد، بنیروی ۲ پایدار ۳ رسیدن ۴ و راستی داشتن ۵ - این را بمن ببخشای، ای سپندارمذ - شکوه ۶ پاداش ۷ (و) زندگی ۸ منش نیک ۹

۲ واز آن او باد آنچه از همه بهتر است، آنکه را آرزوی فردوس ۱ است از پاکتر خرد ۲ آگاه ۳ تو فردوس بدو ارزانی باد، ای مزدا، (و) ببخشایش ۴ منش نیک که تو بدستیاری راستی خواهی داد در همه روزها ۵ باشادمانی ۶ زندگی دیر پایا ۷

۵۰۰

۳ † و که او از به به بهتر ۱ گرایاد ۲ آن مردی که بما راه ۳ راست ۴ سود ۵ بیاموزانید ۶ در این زندگی ۷ جهانی ۸ و (زندگی) مینوی ۹، بآن (راه) درست ۱۰ آفریدگانی ۱۱ که در آنجا اهورا آرام دارد ۱۲ آن راد مردی ۱۳ که مانند تو ۱۴ خوب شناسا ۱۵ و پاک ۱۶ است، ای مزدا ۱۷

* در بند های ۱-۳ از این هات یفسر از روی آرزوی هر يك از دینداران خواستار است که پروردگار آرزوی بر آورنده بآرزوی شان رساند. آرزوی آنان بنیروی و بیداری رسیدن و راستی (آتش سبزی) یا دین راستین دریافتن و از پاداش برخوردار شدن و از آن زندگی که در خورد پاک منشان است بهره ور گردیدن است آنکه را آرزوی بهشت است بهشت بدو ارزانی و از ببخشایش منش نیک و شادمانی زندگی جاودانی بر خوردار باد یفسر

۴ * و ترا توانا ۱ و پاك شناختم ۲. ای مزدا، آنگاه که آن پاداش ۳
 بدست بر گرفته ۴ به پیرو دروغ و به پیرو راستی ۵ خواهی
 داد، آنگاه که از گرمای ۶ آذر تو که زورش ۷ از راستی است
 نیروی ۸ منش نیک بمن روی خواهد نمود ۹ ☉

۵ † و ترا پاك شناختم، ای مزدا اهورا، آنگاه که ترا نخست ۱
 در آفرینش ۲ زندگی ۳ نگریم ۴ که چگونه کردارها و گفتارها
 را مزده خواهی داد - پاداش بدبید (و) خوب بخوب -
 از هنرت ۶ در پایان ۷ گردش ۸ آفرینش ۹ ☉

۶ ‡ در آن سر انجام تو با خرد پاکت بدر خواهی آمد، ای مزدا،
 با کشور جاودانی و با منش نیک که از کردارش جهان ۱
 راستی خواهد بر افزود ۲ آمان را ۳ (فرشته) پارسائی از
 داوری ۴ آگاه خواهد نمود ۵ آن (داوری) خردت را ۶ که
 هیچکس ۷ نتواند فریفتن ۸ ☉

۵۰۲

* بندهای ۴ - ۱۶ در شناختن روان پیغمبر است م بر پروردگار را بیانی منش نیک
 مزدا (= بهمن) که شش بار خود را پیغمبر بنمود در این بند چنانکه در بسیاری از بندهای
 دیگر گاتها، از آزمایش روز بسین یاد شده است پیغمبر امیدوار است در آن هنگام در برابر
 زبانه آذر ایزدی که مزد هر يك از نیکوکاران و گناهکاران داده میشود، از منش نیک
 برخوردار باشد و از آن آزمایش رستگار بدر آید
 † یعنی آنگاه که ترا نخستین بار در جهان مینوی نگریم، دانستم که توئی پاك
 (سپنتا دد) سپنتا (Spenta) سینده) و توئی آن کس که بس از پایان یافتن زندگی جهانی از
 نیروی و هنر خویش بدان را از خوبان باز شناسی و بهر يك از آنان مزد و پاداشی که در
 خور است خواهی داد پیغمبر که میگوید اهورا مزدا را در آفرینش زندگی نگریم تا گرد
 فرو هر خویش اراده کرده است چنانکه میدانیم، در آیین مزدیسنا فرورهای (فر و آشی
 فرافاشی) هر يك از آفریدگان نیک پیش از بیکر هستی یافتن جهان آفریده شدهاند
 بمقاله فرور در نخستین جلد بشتهها گزارش نگارنده ص ۵۹۰ نگاه کنند

۷ * و تراپاك شناختم، ای مزدا اهورا آنگاه که بهمن بسوی من آمد^۱ و از من پرسید: کی هستی (و) از کدام کس هستی؟ با کدام نشان^۲ در روزهای^۳ پرسش^۴ زندگی^۵ خویش و خودت^۶ را خواهی شناسانیدن^۷؟ ۰۰۴

۸ آنگاه بدو گفتم^۱ نخست^۲ (منم) زرتشت^۳ هر چند که بتوانم^۴ بدرستی دشمن^۵ دروغپرست و پناه^۶ نیرومند^۷ پیرو راستی^۸ خواهم بود^۹ تا اینکه در آینده^{۱۰} کشور دلخواه^{۱۱} (جاودانی) را دارا گردم^{۱۲} تا هنگامی که^{۱۳} ای مزدا، میستایم^{۱۴} و میسرایم^{۱۵} ۰۰

۹ † و تراپاك شناختم، ای مزدا اهورا، آنگاه که بهمن بسوی من آمد در پرسشش: از چه چیز خواهی^۱ که خود را باز شناسانی^۲؟ (در پاسخ گفتم): با آن دهش^۳ نماز^۴ نزد آذر تو تا هنگامی که بتوانم بر راستی خواهم اندیشیدن^۵ ۰۰۴

۱۰ ‡ (مزدا گوید): ایدون دین راستین^۱ مرا بنگر^۲، چه من با پارسائی^۳ بهم پیوسته^۴ آن را هم میخوانم^۵ که بنزد من در آید^۶. اینک بیس از ما، آنچه را که تو از ما خواهی پرسیدن^۷ آری پرسش تو مانند (پرسش) نیرومندی^۸ است، همچنین آن کسی که توانائی دارد^۹ تو نیرو مند را کامروا^{۱۰} کند ۰۰

* در این بند و در بندهای آینده زرتشت از یامبری خویش و از پرسش و پاسخی که میان وی و بهمن (= منش نیک) رفته سخن میدارد و فرماید که نشانه یامبری وی بر انداختن دروغ و برافراختن راستی است
† در این بند در پرسش بهمن از اینکه چگونه خود را میتوانی باز شناسانی؟ بینبر در پاسخ گوید: تا هنگامی که از برای پرسش در برابر آذر افروخته ایزدی ایستاده دهش نماز و ستایش به پیشگاه مزدا بیاورم بر راستی (آتش سبب خواهم اندیشید یعنی بدین راستین خود را از دیگران باز شناسانم)

- ۱۱ * و تراياك شناختم، ای مزداهورا، آنگاه که بهمن بسوی
من آمد در آن هنگامی که من نخست از سخنان^۱ شما
آموزش یا قتم^۲
- آبارنج^۳ به بار خواهد آورد^۴ نزد مردمان دلدادگی^۵ (من)
در انجام دادن^۶ آنچه را که بمن گفتید بهترین است؟^۷
- ۱۲ † و آنگاه که بن گفتم: از برای آموخته شدن^۱ بسوی
راستی آی، چون فرمان دادی^۲ - بی نافرمانی^۳ از من -
برخیز^۴ پیش از اینکه سروش من بدر آید، به همراه^۵ آشی^۶
بسیار توانگر^۷ پاداش بهر دو هماورد^۸ در سود (وزیان)
بخش کند^۹ °
- ۱۳ ‡ و تراپاک شناختم، ای مزداهورا، آنگاه که بهمن بسوی
من آمد از برای شناختن^۱ داد خواهی^۲ کام^۳ من - آن را
بمن ارزانی دارید، آن زندگی جاودان^۴ که هیچکس^۵ شما
را بر آن شدن^۶ ناگیر نتواند کرد^۷، آن هستی^۸ آرزو
شده^۹ که در کشور تو گفته شده^{۱۰} °
- ۱۴ § اگر پناه^۱ مهربان^۲ تو، آنچه آن که مرد^۳ دانائی^۴ بآن
تواناست^۵ بدوستی^۶ ارزانی دارد^۷، ای مزدا، با شهر یاری^۸
تو بمیانجی^۹ اردیبهشت^{۱۰} بمن رسد^{۱۱}، پس اینچنین برخیزم^{۱۲}
از برای بر ابر شدن^{۱۳} بخوار دارندگان^{۱۴} آیین^{۱۵} تو با^{۱۶}
همه^{۱۷} کسانی که آموزش^{۱۸} تو بیاد دارند^{۱۹} °

۵۰۶

* یغمبر از کردگار پرسید: آیا آن آیینی که من در روز نخست از منش نیک (بهمن)
تو بیاموختم و باید بر دمان برسانم، همان آیین و دینی که تو بن گفتم بهترین آموزش است باید
در جهان مابین رنج و آزار من گردد؟

† یغمبر گوید: ای مزداهورا، آنگاه که تو فرمان دادی برخیز، بدین راستین ایزدی
(آش سیوس) روی آر و راستی گدای پیش از این که کشور مینوی آراسته گردد و
بدستاری آشی، فرشته بهره و بخش نیکوکاران و بزهرگان پاداش و یادفراه داده شود
چون فرمان از تو بود نافرمانی نکردم راستی گرویدم

‡ در این بند و در بند آینده یغمبر در آن هنگامی که بهمن، منش نیک اهورا،
بدرووی نمود از برای مرد پیامبری و دین گستری و راهنمایی، دو چیز درخواست نمود:
نخست اینکه پس از سر آمدن گردش کیتی در جهان دیگر در کشور مینوی ایزدی (بهشت)

۱۵ * وُتراپاك شناختم، ای مزدا، آنگاه که بهمین بسوی من آمد
(و) از برای آگاه ساختن^۱ بیا موخت^۲ (مرا)
توشنامیتی^۳ بهتر: نباید همیشه^۴ مایه خوشنودی^۵ پیروان
دروغ شدن چه این راستی پرستان را^۶ بر آشفته^۷ کند^۸ ۵۵

۱۶ † ایدون، ای اهورا او، زرتشت، از برای خود برگزید^۱
آن پاکتر روانت را^۲ ای مزدا - بپیکر آراسته^۳ باد راستی
از زندگی^۴ و نیرو و برخوردار^۵ باد^۶ در کشور خورشید سان^۷
سپندارمن - بشود که او بگردارهایی که از منش نیک است
پاداش^۸ دهد ۵۵

* درایت بند بهمین (= منش نیک) با همراهی توشنامیتی (توشنامیتیه) فرشته نایبند^۱ منش آرام، خود بیغبر نموده اندرز دهند: نباید چنان رفتار کرد که پیروان دروغ را خوش و پیروان راستی را ناخوش آید
† یغبر از خود با ضمیر و فعل غایب، چون سومین کس، سخن میدارد، چنانکه در بند سوم همین هات کشور خورشید سان یا جائی که مانند خورشید روشن و درخشان است، بهشت است یغبر فرماید: کسانی که از دروغ روی برتابند، روان یا کس برگزیده راستی دریا بند در فردوس برین بیانجی سپندارمن از برای گردارهای ستوده شان پاداش رسند

(سناها ت ۴۴)

۱ * این از تو میپرسم، درست ^۱ بمن بگو، ای اهورا: دربارهٔ
 ناز، آنچه‌ان نمازی ^۲ که از برای مانند شما کسانی است ای
 مزدا! کسی مانند تو بدوستی مانند من ^۳ باید آن را
 بیاموزاند ^۴ و بمیانچی اردیبهشت ارجمنده باید که او یاری ^۵
 دهد ^۶ تا اینکه منش نیک نزد ما فرود آید ^۸ ◊◊

۲ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه ^۱
 در آغاز ^۲ بهتر جهان ^۳ پاداش ^۴ سود دهد بکسی که آن
 را دریافت خواهد کرد ^۶ ؟
 او ^۷ آری، ای راستی، آن پاک ^۸، سراسر ^۹ انجام ^{۱۰} را
 نگران ^{۱۱} (است)، آن دوست ^{۱۲} درمان بخش زندگی ^{۱۳}،
 ای مزدا ◊◊

۵۱۰

۳ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کیست ^۱ از
 آفرینش ^۲ پدر ^۳ راستی، ^۴ نخستین ^۵ ؟ کیست که بخورشید ^۶
 و ستارگان ^۷ راه ^۸ (گردش) داد ^۹ ؟ از کیست که ماه ^{۱۰}
 میفزاید ^{۱۱} (و) دگر باره ^{۱۲} میکاهد ؟ این، ای مزدا، و دیگر ^{۱۳}
 (چیزها) دانستن ^{۱۴} خواستارم ^{۱۵} ◊◊

* « این از تو میپرسم، درست بمن بگو ای اهورا » در آغاز هر يك از بند های این
 هات، جز از بند بیستم، نیز آمده است و پیوستگی این بندها را بهمد یگر می‌رساند
 در بند دهم از هات ۴۳ دیدیم که مزدا برترتت گوید: « اینک بپرس از ما، آنچه را که تو
 از ما خواهی پرسیدن » اکنون پرسشهای زرتشت از مزدا چنانکه دیده بشود از خود این
 پرسشها، پاسخهای مزدا برمیآید.
 در نخستین بند بیستم از اهورا مزدا درخواست دارد که وی را از آن ناز و نیایشی که

(تجدید نظر در ۱۹۷۷)

(۱) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

(۲) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

۵۱۱

(۳) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

شاید پیشگاه خداوندی است آگاه سازد، از آن نازی که بنش نیک (بهمن) توان رسیدن
 به بند ۱ از هات ۳۰ و بند های ۱۲ و ۱۵ از هات ۳۴ و بند ۶ از هات ۴۵ نیز نگاه کنید
 † یزید از مزدا پرسد: آیا برستی چنین است، در جهان دیگر پس از آنکه مردم 'مزد
 کردار های نیک خویش یافتند، بختیار و کامیاب خواهند بود، آنگاه که در این جهان امید آن
 دارند؟ از جمله پسین پاسخ این پرسش برمیآید: زرتشت پاک، آن دوست و پزشک زندگی
 آینده را از پیش نگران است و مردم نوید رستگاری میدهد

۴ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کی نگهداشت^۱
 زمین^۲ در زیر^۳ و آسمانها^۴ (دربالا) که نمی افتند^۵؟ کی
 آب^۶ و گیاهها^۷ (آفرید)؟ کی به باد^۸ و ابرها^۹ تندی^{۱۰}
 پیوست^{۱۱}؟ ای مزدا، دادار^{۱۲} منش نیک^{۱۳}؟ ☉

۵ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کی روشنائی^۱
 خوب کنش^۲ و تاریکی^۳ آفرید^۴؟ کی خواب^۵ خوب
 کنش و بیداری^۶ آفرید^۷؟ کی بامداد^۸ (و) نیمروز^۹ و شب^{۱۰}
 (آفرید) که یادآور اند^{۱۰} برگزیدگان^{۱۱} را به پیمان^{۱۲}؟

۶ * این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: پس آیا
 بدرستی^۱ آنچه آن است که من نوید خواهم داد^۲ اردیبهشت
 با کردارش یاوری خواهد کرد^۳؟ (و) سیندارمذ^۴ بهمین
 از سوی تو کشور (مینوی) را (از آن ما) خواهد شناخت^۴؟
 از برای کی چارپای بارور^۵ خرمی بخش^۶ آفریدی^۷؟ ☉

۵۱۲

۷ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: کی باشهریور،
 سیندارمذ ارجمند^۱ (هم) بیافرید^۲؟ کی بافرزانی^۲ پسر^۳
 را دوستار^۴ پدر^۵ کرد^۶؟
 همانا^۷ من میکوشم^۸، ای مزدا، تا ترا با خرد پاکت^۹
 دادار^{۱۰} همه چیز فراشناختن^{۱۱}

* یعنی پس از سیری شدن زندگی جهان، در روز پسین امشاسپندان اردیبهشت و سیندارمذ دینداران را باری خواهند نمود و بهمین کشور مینوی (بهشت) رهنمون خواهد گشت آنچه آن که من در دین خود مردمان را خواهم آموخت و بدان امیدوار خواهم ساخت در بند هشتم از هات ۳۰ نیز دیدیم که بهمین در بابان گردش کیتی کشور ایزدی را از

(۴) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

(۵) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

(۶) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

(۷) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

۵۱۳

برای راستگرداران خواهد آراست
 چار یا یا گاو استماره است از آن خوشی و رامش و کشایش و فراخروزی
 اراده میشود در بند سوم از هات ۴۷ و در بند دوم از هات ۵۰ نیز چار پای سودمند و چرا کاهش
 یعنی مجازی است یعنی بغشایش ایزدی و مایه زندگی خوش و خرم

۸ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: آموزش^۱ ترا خواهم بیاد سپردن^۲، ای مزدا، و دستور^۳ زندگی^۴ که از اردیبهشت و بهمن همیپرسم^۵ بدرستی^۶ دریاقتن^۷: چگونه روان^۸ من به بخشایش^۹ شادی انگیز^{۱۰} خواهد رسید^{۱۱}

۹ * این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه مرا که دین^۱ رسا سازم^۲، از برای نیک اندیش^۳، خداوندگار^۴ کشور (مینوی) از نویدهای^۵ بکشور راستین^۶ بیاموزانم^۷، کسی مانند تو^۸ ای مزدا که با راستی و منش نیک در یک سرای^۹ آرام دارد^{۱۰}؟

۱۰ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: دین که بهتر چیز هاست، آن (دین) با راستی پیوسته^۱ من که بجهانیان^۲ فزونی دهد^۳، آیا آمان با گفتار و کردار پارسائی^۴ درست خواهند نگریست^۵ بکیش^۶ من، با رزوی^۷ بخشایشهای^۸ تو، ای مزدا؟

۵۱۴

۱۱ † این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه با آن پارسائی^۱ خواهد گرایید^۲، بکسانی که دین تو گفته خواهد شد^۳، ای مزدا؟
منم آنکه از تو، برای این^۴ در آغاز^۵ برگزیده شدم^۶ - همه دیگران را^۷ باخرد^۸ بدخواهی^۹ بشگرم^{۱۰}؟

* در بند پیش یغبر از اهورا مزدا پرسید: از برای پیامبری و دین گستری بآمزش و بخشایش جاودانی خواهد رسید؟ در این بند میرسد، آیا بان دیندار و نیک اندیشی که مرا پیروی کرده میتوانم از سوی خداوندگار فردوس برین نوید دهم؟ در بند آینده میرسد: آیا بامید بخشایش ایزدی در روز پسین، با گفتار و کردار من خواهند پیوست و آنچنان که باید با این من گوش فرا خواهند داد؟

۱۲ * این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: - کیست پیرو راستی، (میان) آمانی که من سخن میدارم^۱، یا^۲ پیرو دروغ^۳؟ کدام يك^۴ دشمن^۵ است، این یا آن دیگری دشمن است، آن دروغیستی که از برای بخنایش^۶ تو بمن ستیزه کند^۷؟ چیست^۸ او؟ نباید او دشمن پنداشته شود^۹؟ ☉

۱۳ † این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه دروغ^۱ را از خود دور توانیم راند^۲ بسوی آمانی که پُر^۳ از نافرمانی^۴ نمیکوشند^۵ که برآستی پیوندند^۶ (و) نه برش^۷ منش نيك^۸ آرزو دارند^۹؟ ☉

۱۴ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه دروغ را بدستهای راستی توانم سپرد^۱ تا اینکه او آن را برفکند^۲ از روی دستور^۳ آیین تو^۴، تا اینکه او بدروغیستان شکست^۵ سترک^۶ دهد^۷، تا اینکه با آن رنجها^۸ و ستیزها^۹ آورد^{۱۰}، ای مزدا؟ ☉

۵۱۶

۱۵ ‡ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: پس آیا^۱ تو بر آن توانا هستی^۲ که بمیانجی راستی مرا پناه دهی^۳، آنگاه که دو سپاه^۴ ناسازگار^۵ بهمرسند^۶، از روی آن پیمانی^۷ که تو بر آن استوار خواهی بود^۸، ای مزدا - بکدام يك^۹ از دو، یکی تو پیروزی^{۱۰} خواهی داد^{۱۱}؟ ☉

در انجام بند بیش دیدیم که پیغمبر گفت: اوست نخستین کسی که مزدا آیهت راستین بدوسپرد و وی را پیامبری برانگیخت و براهنایی جهانیان برگاشت در اینجا و در بند آینده از دشمن دین مزدا سنا کسی که بدروغ خود را پیشوا خوانده، یاد میکند این پیشوای دروغن با دروغیست در سر سودا بزدی که زرتشت از آن بر خوردار است با پیغمبر در ستیزه است

(۱۲) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

(۱۳) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

(۱۴) ...
 ...
 ...
 ...

۵۱۷

...
 ...
 ...
 ...
 ...
 ...

† یتیم خواستار است که بیرون آیین راستین را از آسیب دروغ دور سازد، دیو دروغ و پیشوای دروغین و بیرون دروغ را بسوی همان خیره سران و تیره دلان نافرمانبردار راند که نمیخواهند با راستی سروکاری داشته باشند و از منش نیک بند و اندرز بشنوند
 ‡ از « دو سپاه » هاوردان، بیرون آیین راستین مزدبنا و بیرون کیش دروغین دیوبنا اراده شده است

۱۶ * این از تو میپرسم، درست بمن بگویی، ای اهورا: * کیست آن
 پیروزگری^۱ که از آیین^۲ تو کسانی را که هستند^۳ پناه
 بخشد؟ آشکارا^۴ آگهی ده^۵ مرا به برگاشتن^۶ آن رد در مان
 بخش زندگی^۸ و بآن کسی که فرمانبری^۹ با منش نیک روی
 کند^{۱۰}، ای مزدا، بآن کسی که تو خواستاری^{۱۱} ۵۵

۱۷ این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه، ای
 مزدا، کام دلم^۱ از شما ساخته گردد^۲، از پیوستن^۳ بشما، و
 گهتارم^۴ کار سازه شود؟ آیا از روی آن^۶ دستور (و پیمان)^۷،
 رسائی و جاودانی^۸ در آمیزند^۹ با آن کسی که از راستی
 بهره ور^{۱۰} است؟ ۵۵

۵۱۸

۱۸ † این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای اهورا: چگونه ای
 اردیبهشت، بآن مزد، بر رانی خواهم شد^۲، ده مادیان^۳
 با (جفت) نر^۴ و یک شتر^۵ که بمن پیمان داده شده^۶،
 ای مزدا، آنچنان که بر رسائی و جاودانی، در بخشایش^۷ تو؟ ۵۵

* آن پیروز مندی که از آیین مزدا پشت و پناه جهانیان است؛ آن ردی که چاره بخش
 زندگی است؛ آن کسی که بخواست مزدا فرمانبری و منش نیک بد و روی کرده؛ آن کسی که
 خواسته شده برگاشتن او بیامبری پیدا و آشکار باشد خود پیغمبر زرتشت است به بند دوم
 همین هات نگاه کنید بند شانزدهم از هات ۴۴ در هشتمین فرگرد و ندیده اد پار ۲۰ نیز آورده
 شده است

† پیغمبر امید و ارادت درین جهان چنانکه در جهان دیگر باداش باید

(۱۶) کَلِمَاتٍ مَّا تَدْعُوهُنَّ لِيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا

(۱۷) وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا

وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا

۵۱۹

(۱۸) وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا
 وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا وَيُخْرِجَنَّكَ مِنْهَا

باید یاد داشت که در آیین زرتشت با امید بخشایش روز بسین از خوشی و آسایش زندگی
 جهانی چشم پوشی نشده است زندگی خوش نیز بخشایش ایزدی است باکار و کوشش از آن
 برخوردار توان شدن برتری دین مزد یسنا در این است که زندگی خوار شمرده نشده است
 مزدکار در این جهان و یاداش کردار نیک در جهان دیگر هر دو شایسته کوشش است در بند
 سوم و سیزدهم از ۴۳ هات و در بند هشتم از ۴۹ هات و در بند پنجم از ۵۰ نیز از مزد و
 یاداش دو جهان سخن رفته است

۱۹ * این از تو میپرسم، درست بمن بگو، ای مزدا: کسی که مزد بآن کسی که بآن ارزانی است ندهد، بآن کسی که باو بدرستی پیمان داده شده: چه سزائی^۲ از برای او نخست^۳ خواهد بود؟ از آن (سزائی) که در پایان^۴ از برای او خواهد بود آگاهم * ۵۵

۲۰ † آیا هرگز^۱ دیوها خداوندکاران خوب^۲ بودند؟ و این را میپرسم، (آنانند) که می بینند^۳ چگونه^۴ از برای شان گرین و اوسیج^۵ کاو را (بدست) خشم^۶ میدهند، همچنان کوی همیشه^۷ آن را بناله در میآورد^۸ نمی پرورند^۹ آن را از روی دین راستین از برای کشایش بخشیدن^{۱۰} بکشت و ورز^{۱۱} ۵۵

۵۲۰

* پیغمبر خواستار است بداند: اگر کسی مزدی که در برابر کاری پیمان داده شده نپرداخت در همین جهان سزای این بیا نشکن چیست؟ سزای چنین گناهکاری در جهان دیگر نزد پیغمبر پیداست از این بند روشن است که در بند پیش هادیان و شتر مزدکاری بوده که بایستی بزرگشت داده شود

† دیوها (دَوَوَ بَسِج) (daeva) پروردگاران آریائی هستند کَرِیت (وسلسوس) karapan و اوسیج (دَوَوَ بَسِج) (usij) پیشوایان دیوسنا و کویها (وس) (kavi) شهریاران دیوسنا از برای خوشنودی دیوها مردم را بکشتن چار یابان فرمان دهند پیغمبر در دین بکتا پرستی خود، مزدیسنا، بگله و رمه پروری و کشاورزی اندرز دهد کشتار و خونریزی در جشنهای دینی نکوهیده است چار یابان باید از برای بزرگبری و آبادانی بکار آیند و مایه زندگی خوش و خرم باشند مردم بکار آنها نیازمند اند و خداوند از خون آنها بی نیاز جز از ناز راستی و نیایش منش نیک چیز دیگر شایسته آستان اهورا نیست به بند دوازدهم از هات ۳۲ نیز نگاه کنید

در نخستین بند از هات ۲۹ و در بند چهارم از هات ۴۹ نیز واژه خشم باگاو ۳۵ gao که از آن همه چار یابان سودمند اراده میشود، یکجا آمده است چار یا بخشم سپردن کشتن آن مراد است چنانکه در جمله پس از آن از « بناه در آوردن » نیز قربانی کردن اراده شده است

(19)

(20)

(یسناهات ۴۵ه)

۱ * ایدون سخن میدارم^۱ : اکنون^۲ گوش دهید^۳ ، اکنون بشنوید^۴، ای کسانی که از نزدیک^۵ و ای کسانی که از دور^۶ (آمده آموزش) خواستارید^۷ .

اکنون آن را^۸ همه شما بیاد بسیارید^۹ چه او هوید است^{۱۰} مباد آموزگار بد^{۱۱} دیگر باره^{۱۲} زندگی^{۱۳} تباه کند^{۱۴}، آن دووغیرست که باز بان خویش بکیش^{۱۵} بد^{۱۶} گرواند^{۱۷} ۰۰

۲ † ایدون سخن میدارم از آن دو گوهر^۱ در آغاز زندگی، از آن دو، آن (گوهر) پاک^۲ چنین^۳ گفت به (گوهر) پلید^۴ : از ما دو نه^۵ منش نه آموزش نه خرد و نه کیش نه گفتار و نه کردار نه دین نه روان^۶ باهم در سازش اند^۷ ۰۰

۵۲۲

۳ ایدون سخن میدارم از آنچه مزدا اهورای دانا در آغاز زندگی بمن گفت: آنانی که در میان شما آیین^۱ نورزند^۲، آنچنان که من بآن اندیشم^۳ و گویم، از برای آنان در پایان^۴ زندگی افسوس^۵ خواهد بود^۶ ۰۰

* یداست که ینمبر در میان گروهی که از نزدیک و دور از برای شنیدن آیین نو آمده اند سخن میدارد و از آنان خواستار است که آنچه میشوند درست یاد بگیرند و کار بندند تا پیشوای دروغین دیویستا نتواند آنان را بکیش بد کشاند و جهان با دروغ تیره و تباه سازد

† در این بند مانند بندهای ۱-۶ از هات ۳۰ از گوهر خوبی و بدی سخن رفته: سینتو ملینو *spəntōmainyu* سیند مینو وانکر و ملینو *aiñrō-mainyu* سیند مینو که روان پاک دادار باشد باهرین که روان پلید است گویند: « ما در هیچ

۴ * ایدون سخن میدارم از آنچه برای جهان بهتر است. از دین راستین آموختم، ای مزدا، کسی که آن را (جهان را) بیافرید پدر برزبگر^۱ نیک منش و زمین دختر^۲ نیک کنش^۳ اوست نتوان فریفتن^۴ اهورای بهمه نگران راه^۵.

۵ † ایدون سخن میدارم از آنچه (مزدا اهورای) پاکترین گفت، سخنی که شنیدن^۱ آن از برای مردمان^۲ بهتر است: «کسانی که از برای من از او^۳ فرمانبری^۴ کنند، برسائی^۵ و جاودانی رسند^۶ از کردار منش نیک^۷». (چنین گفت) مزدا اهورا^۸.

۶ ‡ ایدون سخن میدارم از آنکه از همه بزرگتر است^۱، او را ستاینده ام^۲، ای راستی، آن کسی را که نیکخواه^۳ آفریدگان^۴ است از روان پاک^۵ خود بشنود^۶ مزدا اهورا آن نیایشی^۷ که من از منش نیک بیرسیدم^۸ بشود که او از خرد خویش بیا گاهاند^۹ مرا از آنچه بهتر است^{۱۰}.

۵۲۴

* پیغمبر فرماید: «از دین راستین (= آتش سَپَنتا اشا آموختم که مزدا، آفریننده جهان، (انگهوسوسه anhu زندگی، هستی) پدر برزبگر پاک سرشت و زمین دختر نیک کنش اوست»

در اینجا بجای واژه زمین آرمیتی سَپَنتا armaiti آمده از واژه برزبگر بخوبی برمیآید که آرمیتی یعنی زمین بگلر رفته است نریوسنگ Neryōsang دستور یارسیان در قرن دوازدهم میلادی در گزارش سانسکریت اوستا این واژه را در همین بند نیز یعنی زمین دانسته است. چنانکه در یادداشت شماره ۵ از بند دوم از هات ۳۲ گفتیم آرمیتی که در جاهای دیگر اوستا با صفت سپنتا سَپَنتا spenta آمده، در فارسی سپندارمذ شده است سپندارمذ یکی از امشاسپندان یا مهین فرشتگان جاودانی است، نابنده سازش و بردباری و یارسائی و فروتنی ایزدی است در جهان نگهداری زمین - سپندارمذ سپرده شده است در گاتها بسا از واژه آرمیتی سَپَنتا armaiti یا آرمتی سَپَنتا armati معنی واژه اراده گردیده در این بند یعنی زمین گرفته شده است در بند سوم از هات ۴۷ نیز بهمین معنی است آنچه آن که این واژه در بند نهم از هات ۳۱ بگلر رفته بخوبی میرساند که این امشاسپند رابا زمین و کشت و برز سروکاری است در جاهای دیگر اوستا بسا واژه سپندارمذ

(۴) مبلغ (۱) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

(۵) مبلغ (۱) ...
 ...

...
 ...
 ...
 ...

(۶) مبلغ (۱) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

۵۲۵

بجای زمین آمده است چنانکه در بسا ۱۶ باره ۱۰ ; و تندباد، فرکرد سوم باره ۱۰ و باره ۳۵ و فرکرد هجدهم باره ۶۴

این بند یکی از دلکسترین بندهای گاتهاست پیشتر ایران برای اینکه مردم را بکشت و ریز و آبادانی بکارده، اهورا مزدا را بدر کشاورزان و زمین را دختر او خوانده است کسی که خاک آبادان و مرزوبوم از کشت زار خرم و شاد سازد، نگهبان زمین سیندارمذ و پدر آسمانی را از خود خوشنود کند
 آسختی که بیغبر از دادار شنیده و باید از برای رستگاری و بهبودی بجهانیان برساند، این است که مردم در برابر آیین مزدا سرفرود آورند و از بیغبرش فرمان برند تا از یرتو منش نیک بیغشایش رسائی و جاودانی رسند
 † نیایشی که بیغبر گوید از منش نیک (وهومتنگه) بیاموختم و امیدوار است که روان پاک مزدا آن را شنیده بپذیرد، همان است که بیغبر در نخستین بند از هات ۳۰ و در بندهای ۱۲ و ۱۵ از هات ۳۴ و در نخستین بند از هات ۴۴ خواستار دانستن شده، آنچهان نیایش و نماز و درودی که در خور بارگاه مزداست

۷ * از سودا^۱ (و زیانی) که در دست اوست^۲ خواهند دریافت^۳ (همه) زندگان^۴ و آمانی که بودند و خواهند بود^۵: در جاودانی^۶ روان پیرو راستی همیشه^۷ کامروا^۸ (و) آنکس که دروغپرست است در رنج^۹ (خواهد بود) و این را مزدا اهورا از کشور (مینوی) خویش بیافریند^{۱۰} ۰۰

۸ † اورا تو^۱ از برای ما با ستایشهای^۲ نماز^۳ در یاب^۴، آری اکنون آن^۵ راه با چشم^۶ خواستار نگریستیم^۷ (آن راه کشور مینوی) پندار نیک^۸ (و) کردار (و) گفتار را، پس از اینکه مزدا اهورا را بمیانجی راستی شناختم: ایدون نیایشهای خود را در بارگاه ستایشش^۹ فرونیم^{۱۰} ۰۰

۵۲۶

۹ ‡ اورا تو از برای ما، با منش نیک، خوشنود ساز^۱، آنکسی که بما بخواست^۲ خویش بهروزی و تیره روزی^۳ دهد بکند مزدا اهورا از تو آمانی^۴ خویش بما کشت و کار^۵ دهد تا اینکه ما بچار پایان و بکسان مان^۶ گشایش دهیم^۸، از شناسائی خوب^۹ مان بمنش نیک بمیانجی دین راستین^{۱۰} ۰۰

* یعنی آنگاه که زندگی جهانی سر آید و مزدا کشور مینوی (= خشتهر یا پیوسته) بر انگیزد، پادشاه و پادشاهان همه کسانی که هستند و بودند و خواهند بود داده خواهند شد. روان نیکو کاران و پیروان آیین راستین از زندگی جاودانی برخوردار گشته همواره کامروا شوند و روان گناهکاران و پیروان کیش دروغین برنج^۱ دچار آیدند.
 † در بند پیش از بر آراسته شدن کشور مینوی و پادشاه پسین سخن رفته در اینجا بیشتر گوید: از برای اینکه در کشور مینوی از پادشاه برخوردار شویم باید در این جهان ستایش بجای آوریم و در بندگی مزدا را که پادشاه در دست اوست از خود خوشنود کنیم بیشتر پس از آنکه بمیانجی راستی یا دین راستین (آش سپیوس) پروردگار خود شناخت کشور جاودانی آینده را، آنجائی که گنجینه پندار و گفتار و کردار نیک بندگان است.

۱۰ او برا تو از برای ما با درود^۱ یارسانی^۲ بزرگ دار^۳ ،
آنکسی را که همیشه^۴ مزدا اهورا خوانده شود^۵ چه او از
اردیبهشت و بهمن خود نوید داد^۶ که بما در کشور (مینوی)
وی رسائی و جاودانی^۷ بود^۸ (و) در بار گاهش^۹ نیرو^{۱۰}
و پایداری^{۱۱} ॐ

۱۱ * پس اینچنین کسی که در آینده^۱ دیوها و مردمان را
خوار بدارد^۲ ، آنانی که او را^۳ خوار دارند (و همه) دیگران
را، جز آنکسی را که باو نیک اندیشد^۴ ، دین پاک رهاننده^۵
آن کد خدا^۶ ، او را دوست^۷ ، برادر^۸ یابدر (خواهد بود)
ای مزدا اهورا ॐ

۵۲۸

* یعنی اگر کسی پس از این گروه پروردگاران (= دیوها) و همه کسانی را که در
پیروی از آنان زرتشت را خوار میدانند، بست بشارد، جز آنکسی را که نیکخواه پیسر
(=رهاننده) است، دین پاک آن مهتر مایه رستگاری وی خواهد شد و چون دوست و برادر
و پدر او را یاری خواهد کرد

در یادداشت شماره ۲ از بند یازدهم از هات ۳۱ گفتیم که دین (= دینا وسیع است
daēnā) هر کسی در جهان دیگر بیکر هستی یابد: اگر کسی نیکوکار باشد دینش بیکر
دختر زیبایی در آمده او را بسوی بهشت رهنمون گردد و اگر آن کس گناهکار باشد دینش
بیکر دختر زشتی در آمده او را بسوزخ کشاند چون در بند های ۹ - ۱۰ سخن از یاداش این
جهان و یاداش روز بسین بوده در این بند گوید که از برای رستگاری در هر دوسرای
باید بدین راستین زرتشت گروید چه این دین است که در این جهان بکار و کوشش و
کشاورزی و آبادانی اندرز دهد و از زندگی خوش و فراخروزی بهره ور سازد آنچه آن
که پس از سر آمدن گردش کیتی در جهان دیگر پیششاید فردوس برخوردار کند
به بند سیزدهم از هات ۳۴ نیز نگاه کنید

(۱۰) ۶۴۰ . ف . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .
 تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .
 تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .
 تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .
 تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .

(۱۱) تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .
 تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .
 تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .
 تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .
 تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير . تصانيف ابن ابي عمير .

(یسناهات ۴۶)

۱ * بکدام زمین^۱ روی آورم^۲ ، بکجا^۳ روی نموده بروم^۴
از آزادگان و پیشوایان^۵ دورم دارند^۶ ؛ برزیکران مرا
خوشنود نمیکنند^۷ ۸. و نه آن فرمانروایان^۹
دروغپرست کشور^{۱۰} چگونه^{۱۱} ترا، ای مزدا اهورا خوشنود
توانم ساخت ؟ ۱۲

۲ † من میدانم، ای مزدا، که چرا ما توانم^۱ : زیرا کم خواسته
هستم و مرا کسان کم^۲ هستند. بتو کله میبرم^۳ ، تو خود
بنگر^۴ ، ای اهورا، یاری^۵ بخشای^۶ ، آنچنان که یک
دوست^۷ بدوستی ارزانی دارد † از دین راستین بیگانهان^۸
از آنچه دارائی^۹ منش نیک است ۱۰

۵۳۰

۳ ‡ کی، ای مزدا، بامداد روز^۱ فراز آید^۲ ، جهان^۳ دین
راستین فرا گیرد^۴ با آموزشهای^۵ فرایش بخش^۶ پر خرد
رهاندگان^۷ ؟ کیانند آنانی که بهمین بیاری^۸ شان خواهد
آمد ؟ از برای آگاه ساختن^۹ من ، ترا برگزیدم^{۱۰} ، ای
اهورا ۱۱

* بندهای ۱-۴ بهم پیوسته است: پیغمبر از نا کامیابی خود بدرگاه مزدا اهورا رگه
مند است. گروه سه گانه مردم از آزادگان و پیشوایان و کشاورزان از پیغمبر دوری کنند
و باندروزی گوش ندهند ؛ سران و فرمانروایانی که پیروکیش دروغین دیویسنا هستند ستیزه ورزند
در سه بند آینده پیغمبر فرماید : از اینکه کاری از پیش نتوانم برد، برای این است که
خواسته (مال) و گله و رمه و کسانم کم هستند . چون چنین است یاری تو ای اهورا مایه کامیابی
من خواهد بود، چنان ساز که مردم از دین راستین بدارائی منش نیک رسند. آن پیروکیش
دروغین که نمیخواهد پیروان آیین راستین بآبادانی و گله پروری و برزیکری پردازد باید از
میان رفته نابود شود بجای تقاطع يك واژه افتاده است که در وزن شعر لازم است اما زبانی
بمعنی نرسیده است

۴ * و دروغپرست باز میدارد^۱ که این راهبران^۲ دین راستین^۳ چاربايان را در روستا یا کشور^۴ بیروراهند. آنکه بدنام^۵ است (و) از رفتار^۶ خویش تباهاکرا^۸. کسی که اورا، ای مزدا، از شهر یاری^۹ بی بهره کند^{۱۰} یا از زندگی^{۱۱} پیشروی^{۱۲} است که راه^{۱۳} آیین نیک^{۱۴} بیاراید^{۱۵} ॐ

۵ † اگر دانائی^۱ بتواند^۲ نگاهداری کند^۳ کسی را که او بر آن داشته^۴ از روش^۵ خود و پیمانهای^۶ خود برگردد^۷ آن (دانائی) که خود از روی دستور^۸ زندگی میکند^۹، آن پیرو راستی، آن دروغپرست را اینچنین باید آنکه بخرد^{۱۰} است آزاده^{۱۱} را بیاگاهاند^{۱۲} تا که او را از گزند^{۱۳} پناه دهد^{۱۴}، ای مزدا اهورا ॐ

۵۳۲

۶ و اگر آن کسی که از او درخواست^۱ شده (بیاری) نیامد^۲، او بدرستی^۳ بافربدگان^۴ دروغ خواهد پیوست^۵ چه او (خود) دروغپرست (و) نیکخواه^۶ دروغپرست است. راستی پرست آن کسی است که دوست^۷ يك راستی پرست است، از همان هنگام که نخستین^۸ دین دادی، ای اهورا ॐ

* در این بند راهبران دین راستین همان رهانندگانند که در بند پیش گفتند دروغپرست یا در گونت 𐬰𐬀𐬎𐬎𐬀 dragvant یکی از سران و شهریاران دیویسناست چنانکه در بند هفتم از همین هات و در بند یازدهم از هات ۳۱ و در بند پنجم از هات ۳۲ و در بند سوم از هات ۵۰ از در گونت، کسی از شهریاران دیویسنا اراده شده است همچنین از این واژه در بند هجدهم از هات ۳۱ و در بند چهاردهم از هات ۳۲ و در بند دوازدهم از هات ۴۴ و در نخستین بند از هات ۴۵ یکی از پیشوایان گمراه کننده با پینمبر دروغین دیویسنا مراد است کسی چون کرهم 𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀 Grēhma که در بند های ۱۲-۱۴ از هات ۳۲ یاد شده است در هر جای از گاتها که واژه در گونت (دروند) آمده بی اینکه از کسی نام برده شده باشد باید همین کرهم یا شهریار سرو بزرگ دیویسنان یندو 𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀 Bēndva که در بند های

۷ * کی را، ای مزدا، یشتیبان^۱ مانند من کسی^۲ خواهند داد، آنگاه که دروغپرست^۳ از برای آوردن^۴ من آماده شود،^۵ جز^۶ از آذر و منش^۷ تو که از کردارهایشان دین راستین^۸ رسا خواهد گردید^۹؛ ای اهورا، از این دستور^{۱۰} نهادم^{۱۱} را آگاه ساز^{۱۲} ॐ

۸ کسی که در سر داردا بهستی^۱ من آسیب آورد^۲، مکناد که از کردارهایش بمن رنجی^۳ رسده^۴ آن (کردارها) برگشته^۵ باورسد^۶ با آزارها^۸ بخود^۹ او همه^{۱۰} آن آزارها، آنچنان که از زندگی خوش بی بهره ماند^{۱۰} نه از زندگی بد^{۱۱}، ای مزدا ॐ

۹ † کیست آن راد (مردی)^۱ که نخست بیاموزاید^۲ مرا از اینکه ما، تو کارسازتر^۳ را بزرگ بداریم^۴ (و) داور پاک^۵ درستگرداره^۶؛ آنچه اردیبهشت تو (و) آنچه آفریننده جانداران^۶ اردیبهشت گفت، این را خواستار شنیدن اند^۷ آمان از بهمن تو ॐ

۵۳۴

۱۰ آن مرد یازن^۱ که از برای من، ای مزدا اهورا، بجای آورد^۲ آنچه را که تو از برای جهان^۳ بهتر دانستی^۴ : از برای پاداش^۵ درستگرداری^۶ وی بهشت^۷ (بدو ارزانی باد). † و کسانی را که من به نیایش^۸ شما برگارم^۹، با همه آمان از پل چینوت^{۱۰} خواهم گذشت^{۱۱} ॐ

* بند های ۷-۸ بهم پیوسته است اینچنین پیغمبر امیدوار است که در پناه مزدا باشد. هر آن روزی که یکی از فرمانگزاران و شهر یاران دیوبسنا (در گونت) که در بند چهارم همین هات یاد کردیم، از بی آزار وی برخیزد همچنین امیدوار است که دشمن نتواند آسیبی بدو رساند، بدی و ستیزه بخود او برگردد و او را از زندگی خوش بی بهره سازد.
† بندهای ۹-۱۳ بهم پیوسته است: زرتشت از پیامبری خود سخن میدارد و از رستگاری آنانی که پیرو دین وی هستند و از پادافراه کسانی که بدین راستین نگرویدند

- (۷) ...
- (۸) ...
- (۹) ...
- (۱۰) ...

۵۳۵

از برای دریافتن معنی بند نهم باید آنچه در بندهای دیگر گذشته یاد آور شویم: نخستین کسی که پیام‌رسانند که مزدا اهورا کارساز تر و داور درست‌کار است، آنکس خود زرتشت است چنانکه در بند هشتم از هات ۳۱ گذشت؛ مزدا اهورا در روز بسین داور کردارهای جهانی مردمان خواهد بود در هات ۲۹ پیرش و باسخی که میان مزدا اهورا و امشاسپندش اردیبهشت رفت در باره نگهداری جانداران سودمند بر خوردیم در بند هشتم از آن هات دیدیم که امشاسپند بهمن، زرتشت را بگانه کسی شناخت که شایسته نگهداری جهانی و آیین گستر است از بل چینیوت ۲۲ «Ginvat» (صراط) جدا گانه سخن داشتیم

- ۱۱ * از توانائی^۱ خود کرینها و کویها^۲ وادار میکنند^۳
 مردم^۴ را بگردارهای بد^۵ از برای تباه کردن^۶ زندگی^۷،
 آمانی که روانشان و نهاده^۸ شان بهراس خواهند بود^۹، آنگاه
 که آنان بآنجائی که پلچینوت^{۱۰} است، رسند^{۱۱}، همیشه
 پاینده^{۱۲} یاران^{۱۳} خان و مان دروغ^{۱۴} (خواهند بود) ۵۵
- ۱۲ † هنگامی که اردیبهشت بنوادگان^۱ و خویشان^۲ نامور^۳
 فریان تورانی روی کند^۴ از کوشش^۵ سپندارمذ، کشایش
 بخش هستی^۶: پس آنگاه بهمن آمان را بیذبرد^۷ (و)
 مزدا اهورا بآمان رامش بخشد^۸ در سر انجام^۹ ۵۵
- ۱۳ کیست درمیان مردمان آنکه سپیتمان زرتشت را از آمادگی^۱
 (خود) خوشنود کند، کسی که براژنده است^۲ شنوده
 شود^۳: باو مزدا اهورا زندگی^۴ (جاودانی) خواهد داد،
 بهمن هستی^۵ او را بر افزایش^۶، او را ما دوست خوب^۷
 دین راستین شما شناسیم^۸ ۵۵
- ۱۴ ‡ ای زرتشت، کیست آن یا کدینی^۱ که دوست^۲ تست درمه
 آیین مغ^۳ یا کیست آن کسی که خواستار است^۴ چنین
 شناخته شود؟ این کی گشتاسب است در پایان کار^۵، کسانی
 را که تو، ای مزدا اهورا، در يك سرای^۶ گردهم آوری^۷،
 آمان را من با گفتار^۸ منش نیک همیخوانم^۹ ۵۵

۵۳۶

* در بند های ۱۴-۱۵ از هات ۳۲ و در بند ۲۰ از هات ۴۴ به کرین و سسپهه
 Karapan که از پیشوایان دیو یسان و به کوی و «Kavi» که از سران و شهریاران آنانند
 بر خوردیم آنانند که بدین راستین مزد یسان ستیزه نوده مردم را بکارهای ناشایست میدارند
 و زندگی آنان را تیره و تباه میکنند چون روز بسین فرا رسد، روانها و نهادهای (= دینها)
 کرینها و کویها در سریل چینوت (صراط) به بیم و هراس افتند و در خان و مان دروغ
 (دوزخ) در آیند و در آنجا جاودان از همنشینان دروغ آزمایان خواهند بود
 به بند بیستم از هات ۳۱ و به بند سیزدهم از هات ۵۱ نگاه کنید
 † از فریان (Fryāna) که نام یکی از خاندان تورانی است جدا گانه سخن
 داشتیم یغبر امید وار است که این خاندان از بر تو کوشش سپندار مذ (= آرمیسی سلهدهده)

۱۵ * بشما، ای، هچتسییان میگریم^۱، بشما، ای سیتیمانان،^۲
اینکه شما دانا را از نادان^۳ بز شناسید^۴.....
از این کردار هاست که شما بخودتان راستی^۵ ارزانی دارید^۶،
آنچنان که در نخستین^۷ آیین^۸ ادوراست^۹ ॐ

۱۶ † ای فروشتر هوگو با این راد (مردان)^۱ با نجا^۲ رو^۳،
ما دو خواستاریم^۴ که با نان خوش^۵ بود^۶، آنجائی که
واستی با پارسائی پیوسته است^۷، آنجائی که کشور
(جاودانی) نکام^۸ منش نیک است، آنجائی که مزدا اهورا
از برای افزایش^۹ آرام دارد^{۱۰} ॐ

۱۷ ‡ در آنجائی که من از شما سنجیده^۱ سخن خواهم داشت^۲
نه ناسنجیده، ای جاماسب هوگو همچنین^۳ از فرمانبری^۴
شما با نیایش^۵ آمادگی^۶ شما، نزد آن مزدا اهورا که
بدستاری راستی اندرزگر^۷ کار آگاه^۸، دانا از نادان باز
شناسد^{۱۰}

۵۳۸

* از هچتسپ = هچت اسپ *Haērataspa* که در مروج الذهب
مسعودی هچتسپ یاد شده و از سیتیان = سیتام *Spitāma* که مسعودی اسپیان
یاد کرده، جداگانه سخن داشتیم در اینجا یاد آور میشویم که سیتیان نام خاندان زرتشت است
با پیغمبر خود را زرتشت سیتیان یا سیتیان زرتشت نامیده است در 'سنت' چنانکه در 'بندرش
و در مروج الذهب آمده، سیتیان نام نهمین نیای (جد) پیغمبر است و هچتسپ نام چهارمین نیای وی
در این بند هچتسییان و سیتیان کسانی از خاندان خود پیغمبر اند و روی سخن پیغمبر
با آنان است در بند سوم از هات ۵۳ نیز در جائی که پیغمبر از دختر خود پوروچست
(*Pouručistā*) نام میرد او را دچت اسپانا و سیتامی میخواند تا کزیر از
هچتسییان و سیتیان یکی باید مدیو ماه باشد که در بند نوزدهم از هات ۵۱ از خاندان سیتیان
خوانده شده و در 'سنت مدیو ماه پسر عموی زرتشت یاد شده است و دیگری باید یکی از پسران
خود پیغمبر باشد که در بند دوم از هات ۵۳ با کی گشتاسپ و فروشتر یکجا آمده است پیغمبر
از این پسر نام نبرده اما در 'سنت این پسر ایست و استر یاد شده است

از مدیو ماه و ایست و استر جداگانه سخن داشتیم
در این بند باید یک شعر افتاده باشد که دو مین نیمه این بند با آن یوستگی داشت در کتاب
پهلوی شایسته نه شایسته در فصل ۱۳ فقره ۵۱ نیز یاد شده که در اینجا یک شعر کم است

(۱۵) ...
 ...
 ...
 ...

(۱۶) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

(۱۷) ...
 ...
 ...
 ...
 ...

۵۳۹

† فرشوستر (فرش 'اشتر) (Fərashaoshtra) و بردارش جاماسب (جاماسپ) (Jāmāspa) که در بند آینده آمده از خاندان هوکو (Hvōgva) هر دو وزیر کی کشتاسب هستند

چنانکه از این بند پیداست و در گزارش بهاوی (زند) نیز یاد شده، پیغمبر، فرشوستر و یاران دیگر یارسا و راد مردان را بگر زمان (بهشت) نوبه میدهد، مزدا و پیغمبرش هر دو خواستارند که آنان در کشور جاودانی، در آنجایی که بارگاه فرهی مزداست و جایی که راستی و سازش و رامش و منش نیک آراست، خوش و خرم باشد

بجای راستی و یارسانی یا فروتنی و کشور جاودانی و منش نیک: اش = سپیس = اردیبهشت آرمیتی سده = armaiti = سیندارمذ: خشتهر = Xshathra = شهر پور؛ وهمنگه = vohu mañh = بهمن آمده است

‡ یعنی چون روز شاد فرارسد، من در پیشگاه مزدا که از راستی (اش = سپیس) هوشیاران از پیهوشان باز شناسد، از فرمانبری و نیایش و جانشانی جاماسب در راه دین آنچنان سخن خواهم داشت، تا بیانجی من از بختایش مینوی برخوردار گردد و مزدا بدو آمرزش آورد

۱۸ * کسی که بمن یابد ارا است من خود^۲ نیز بهتر دارا^۳ ای
 خوبش بدست یاری منش نیک بدو نویدد^۴ م ، ستیزه بآن کسی
 که ستیزه کردن^۵ بما در سر دارد^۶ ، ای مزدا (و) ای
 اردیبهشت (اینچنین) خواست^۷ شمارا خوشنود سازم^۸ .
 این است دستور^۹ خرد و منش^{۱۰} من ۵۵

۱۹ کسی که از برای من زرتشت^۱ از روی دین^۲ درست^۳ ، بجای
 آورد^۴ آنچه را که بکلام^۵ من سازگار تر^۶ است ، بآن کس
 (سزد) مزد^۷ ، بآن کسی که جهان آینده^۸ ارزانی شده^۹ .
 يك^{۱۰} جفت چاریای بارور^{۱۱} با هر آنچه آرزومند^{۱۲} است :
 و این را از برای من خواهی ساخت^{۱۳} ، ای مزدا ، تو ای
 کسی که چاره ساز تری^{۱۴}

۵۴۰

* بند های ۱۸-۱۹ بهم پیوسته است : از پاداش و یادا فراه این جهان و جهان دیگر
 سخن رفته است آنکه با یغبر ستیزه کند ، سزاوار ستیزه است و آنکه دوست و نیکخواه است
 یغبر بهتر و گرامیتر چیز خود را از او دریغ نکند. آنکه را امید 'مزد این سرای و سرای
 دیگر است باید فرمانبردار آیین راستین باشد و چنان کند که بدان مزد سزاوار گردد

(18)

... ..

... ..

(19)

... ..

... ..

... ..

... ..

سپنتمدگات (یسنا هات ۴۷)

۱ * به سپند مینو و به دین راستین بهتر بندگان (و) کردار (و) گفتار (در یاداش) رسائی و جاودانی بما خواهد بخشید
مزداهورا با توانائی و پارسائی ۵۵

۲ † از برای این پاکتر روان^۱ (آنچه) بهتر است باید بجای آورند با زبان گفتار از روی^۲ منش نیک، با دستهای کردار از پارسائی^۳، این است شناسائی^۴ : اوست پدر راستی^۵ :
او مزدا

۳ ‡ توئی پدر^۱ پاک این (سپند) مینو، کسی که از برای ما چارهای^۲ خرمی بخش^۳ بیافرید^۴ و انگاه از برای کشت زارش^۵
سپندار مذ با و رامش دهند^۶ . پس از آنکه او، ای مزدا، با منش نیک برمش و پاسخ نمود^۷ ۵۵

۵۴۲

هات ۴۷ کوتاه ترین سرود های گاتها دارای شش بند است و در هر شش بند از سپند مینو (= سپنتو مینو) *Spəntō mīnyu* که در نخستین بند از هات ۳۰ از آن سخن داشتیم، یاد گردیده است در آغاز فرماید: کسی که به سپند مینو و به دین راستین یا امشاسپند اردیبهشت (= آشی *asha*) نیک اندیشه و نیکو گفتار و ستوده رفتار باشد در یاداش مزداهورا بدو رسائی (= هژروتات *haurvatāt* خرداد) و جاودانی (= آمرتات *aməretāt* امر داد) و توانائی (= خشنهر *Xshathra* شهر یور) و پارسائی (= آرمیتی *armaiti* سپندار مذ) خواهد بخشید میتوان واژه خشنهر را در اینجا به معنی کشور مینوی یا بهشت گرفت، چنانکه برخی از دانشمندان چنین گردانیده اند: «... مزداهورا باو بدستباری امشاسپند شهر یور و امشاسپند سپندار مذ رسائی و جاودانی دهد» در پاره سپند مینو و خرداد و امر داد و شهر یور و سپندار مذ یاد داشتهای شماره ۳ از بند ۱۲ از هات ۳۳ و شماره ۴ از بند ۶ از هات ۳۱ و شماره ۴ از بند ۳ از هات ۲۸ و بند ۴ از هات ۴۵ نگاه کنید

بندهای ۱-۶ از هات ۴۷ در پاره های ۲-۷ از یسنا ۱۸ و در پاره ۲۴ از یسنا ۶۸ آورده شده است

۴ از این سیند مینو دروغیرستان سر پیچیدند^۱ ، ای مزدا^۲ نه
 اینچنین (کردند) راستی پرستان کسی که به کم تواناست^۳
 یا به بیش^۴ ، باید راستی پرست مهربان^۵ باشد (و) بدخواه^۶
 دروغیرست ۰۰

• و تو از این سیند مینو، ای مزدا اهورا، راستی پرست هر
 آنچه بهتر است پیمان دادی^۱ - آیبی^۲ خواست^۳ نو،
 دروغیرست از آن بهره ور خواهد شد^۴ ، آنکه با کردارش با
 منش زشت^۵ بسر میبرد^۶ ۰۰

۶ * از این سیند مینو (و) آذر، ای مزدا اهورا، پخش^۱ مُزدا^۲
 هر دو گروه^۳ بجای خواهی آورد^۴ با یآوری^۵ سیندارمذو
 اردیبهشت. چه^۶ بسا کسان^۷ این را خواستار شنیدن اند^۸
 از برای کرویدن^۹

۵۴۴

یعنی بسا کسان هستند که میخواهند بدانند: در هنگام آزمایش آذر در روز بسین،
 از سوی سیند مینو بدستاری سیندارمذو و اردیبهشت چه پاداش و یادافراه بگرو، مزد-
 بسنان و دیوبسنان و یا راستی پرستان و دروغیرستان که در بندیش یاد شده، داده خواهد
 شد تا اینکه از برای رستگاری خویش دین راستین بگربندند
 به بند های ۳ و ۱۹ از هات ۳۱ نیز نگاه کنید

(سناهاات ۴۸)

۱ * چون^۱ در سزای^۲ روز شمار دروغ از راستی شکست
یابد^۳ آنچه آنچنان که بدیوها و مردمان^۴ در (جهان)
جاودانی^۵ برسد^۶، آنچه دیر باز^۷ آگهی داده شده^۸: آنگاه
از بخشایش^۹ تو، ای اهورا، بر افرازد^{۱۰} کسی را که
نیابند^{۱۱} تست^{۱۲} ۵۵

۲ † بیاکاهان مرا، از آنچه تو دانائی^۱، ای اهورا، آبیایش^۲
از این، آن سزائی^۳ که تو اندیشیدی^۴ خواهد رسید^۵،
که پیرو راستی، ای مزدا شکست دهد بدروغپرست^۶ آری^۷
میداست^۸ که این از برای جهان^۹ نیام^{۱۰} نیکی است ۵۵

۵۲۶

۳ ‡ ایدون از برای دانا بهتر آموزش این است که اهورای
نیکخواه^۱ بمیانجی دین راستین آموزاند^۲، آن یا ک، مانند
تو کسی^۳، ای مزدا، که نیز آیین^۴ نهانی^۵ داند، بمیانجی
خرد منش نیک ۵۵

* بند های ۱-۲ این هاات هم بیوسته است: در نخستین بند از یادافرا، گناهکاران و
یادافش نیکو کاران در جهان دیگر سخن رفته و در دومین بند از یاد افرا، گناهکاران در همین
جهان اینچنین: چون روز شمار فرارسد و راستی (آش سیوس) بدروغ (دروج) (دروغ) (دروغ)
چیر گردد و مردمان بزهگر و کمره کنندگان آنان در جهان یابند که در پیش از آن آگهی
داده شده، کفر پندمان هنگام هنگام میانجی راستی ستابندگان اهورا از بخشایش دادار برخوردار
و سرفراز شوند

(۱۴۸)

(۱) ...
 ...
 ...
 ...

(۲) ...
 ...
 ...
 ...

۵۴۷

(۳) ...
 ...
 ...
 ...

† ینمبر خواستار است که بیش از سر آمدن کردش زندگی و کفر یافتن گناهگاران در جهان دیگر در همین جهان هم آنان شکست یافته بسزای کردار زشت خویش دچار آیند تا از برای جهانیان آگاهی باشد

‡ بند های ۳-۴ بهم پیوسته است: آنکه را در جهان دیگر آرزوی دستگیری است باید هماره از دین راستین (آتش سنجید) آموزش بهورای نیکخواه و پاک (سینت دین سنجید) فراگیرد و از خرد (خرتو نالاسکایس = خرتو نالاسد) منش نیک آیین نهانی (تعلیم سری) مرزا در یابد

۴ * کسی که اندیشه^۱ خود (گاهی) بهتر و (گاهی) بتر^۲ کند^۳، ای مزدا، و (همچنین) دین^۴ خود را با کردار و گفتار خود، (کسی که) بکام (و) خواهش و کیش^۵ خویش پیروی کند^۶، او در پایان^۷ بخواست^۸ تو جدا^۹ خواهد گردید ☉

۵ † شهریاران خوب^۱ باید پادشاهی کنند، با کردارهای آیین^۲ نیک، شهریاران بد مباد که بما پادشاهی کنند، ای سیندار مذ - از برای مردم در زندگی^۳ آینده^۴، پاک^۵ی بهتر (و) از برای چارپا کشت و ورز^۶، آن را از برای خورش^۷ ما بپروران^۸ ☉

۶ † آری او^۱ بما^۲ خان و مان خوب^۳، او بما پایداری^۴ و نیرو^۵ داد، آن ارجمند^۶ بهمین ایدون از برای او^۷ مزدا اهورا بمیانجی اردیبهشت گیاهها^۸ برویانید^۹ در آفرینش^{۱۰} جهان^{۱۱} نخستین ☉

۵۴۸

۷ † خشم^۱ باید برانداخته شود^۲ ستم^۳ از خود دور کنید^۴، ای کسانی که خواهید یاداش^۵ منش نیک بشما راست آید^۶ بمیانجی دین راستین که یارش^۷ سرد پاک^۸ است آفریدگان^۹ در سرای^{۱۰} تو خواهند بود، ای اهورا ☉

* در بند یش یغمبر فرمود: در دیگر سرای رستگاری کسی درست که در این سرای فرمانبردار آیین مزدا باشد در اینجا فرماید: کسی که در این گیتی گاهی پیرو دین راستین و نیک بندار و نیک گفتار و نیک کردار است و گاهی راه کثرت گرفته پیرو کام و آرزو و خواهش خوشتن است، چنین کسی که نیمه از کردارش ستوده و نیمه دیگرش نکویده است، در روز آمار یسمن نه از بخشایش بهشت بهره ور باشد و نه برنج دوزخ گرفتار گردد او را از نکو کاران و برهکران جدا ساخته بجائی در آورند که هستکان (برزخ) نامیده شده است بنخستین بند از هات ۳۳ نیز نگاه کنید

† چنانکه میدانیم نگهبانی زمین سپرده بامشاسپند سیندارمذ است، این بند نیز گویای آن است: سیندارمذ باید چنان سازد که پادشاهان دادگرو آیین شناس در روی زمین شهریاری کنند نه

(۴) ستم و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.

(۵) ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.

(۶) ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.

(۷) ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.
 و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی. و ستم‌گرایی.

۵۴۹

یادشاهان بیدگر و ستم پیشه؛ اوراست که از برای چاربایان سودمند که مایه زندگی ماهستند زمین آباد و از کشت و ورز خرم دارد همچین از برای مردمان در روی زمین خانه و نشیگاه خوب و از برای چاربایان چمن و چراگاه خوش فراهم سازد به بند ۹ از هات ۳۱ و به بند ۳ از هات ۴۷ نیز نگاه کشید

‡ آنچه که دادار هر مرد از برای بایدهاری مردمان، نگهبان زمین، امشاسیند سیندارمند را با راستن خان و مانهای خوب و آرامگاهان دلپذیر برگماشت؛ در همان آغاز آفرینش کیشی نیز بدستبازی امشاسیند اردیهشت از برای خورش و پرورش جانوران سودمند گیاهها برویانید و چراگاهان بکسترانید

§ یعنی آنکه خواستار است بدستیار دین راستین (آتش سینیست) که پاکان دوستاران آند بیاداش منش نیک رسد، نخست باید به برانداختن خشم بکوشد و زور و ستم از خود براند چنین آفریدگانی که از منش نیک بشانند در سرای جاودانی (بهشت) خواهند در آمد

۸ * کدام است ۱ بخشایش ۲ کشور نیک ۳ تو، ای مزدا،
 کدام است پاداش ۴ تو، (آری) از تو ۵، برای من، ای اهورا؟
 کدام است (آن داوری) آشکارای ۶ تو بیانچی راستی،
 که آرزو شد ۷ پارسایان است ۸ (و) بدستباری منش نیک ۹
 سنجیدن ۱۰ کردارها ۱۱ ؟ ۱۲

۹ † کی ۱ خواهم دانست ۲ که شما بهر کسی ۳ توانا هستید
 ای مزدا، ای اردیبهشت، بآنکه مرا باسیب بیم دهد ۴ درست
 بمن باید گفته شود ۶ دستور ۷ منش نیک، رهاننده ۸ باید
 بداند که پاداش ۹ وی چنان ۱۰ خواهد بود ۱۱

۱۰ ‡ کی، ای مزدا، مردان ۱ پیام ۲ را خواهند شناخت ۳؟
 کی پیلیدی ۴ این می ۵ را خواهی برانداخت ۶، که از آن
 کرینها ۷ از روی کین ۸ و از خرد ۹ (خویش) میفریبند ۱۰
 شهریاران بد ۱۱ کشورها را ۱۲ ؟ ۱۳

۵۵۰

* در این بنده هاتد بسیاری از بندهای دیگر گاتها، سخن از روز بسین و پاداش
 ایزدی است یشیر از مزدا برسد: پادارائی کشور نیک (فردوس) خواهم رسد و از پاداش
 تو برخوردار خواهم شد؛ آن روزی که بیانچی راستی (آش سپید) از داوری تو کردارهای
 جانی مردمان آشکار گردد و هر آنچه از آنان سرزده بیانچی منش نیک (وهومینو و لایو)
 رسد (سنجیده شود، رادسردان و پارسایان رستگار خواهند گردید)؛

† رهاننده یا سوشیات که خود یشیر زرتشت است خواستار است بداند که مزدا
 و امشاسپندش اردیبهشت (آش سپید) وی را باری خواهند کرد و از گزند دشمن خواهند
 رهانید و پاداش وی از برای دین گستری چه خواهد بود

‡ در بنده چهاردهم از هات ۳۲ دیدیم که یشیر ایران کشتار گاو و گوسفند که دیویسان
 در جشنهای دینی از برای خشنودی گروه خدایان خویش میکنند، صفت نکوهیده است و در
 یاد داشت شماره ۱۰ از همان بنده گفتیم که صفت دُورگوش (دورگوش) dūraosha
 (مرگ زدای، دور دارنده مرگ) اشاره است به فرده هوم (هژم) هسلاوس و haoma زد

۱۱ * کی، ای مزدا، راستی با یارسانی و کشور کشتمند^۱ خوب
 خان و مان^۲ روی خواهند نمود^۳؟ کیانند که در برابر
 دروغپرستان خونخوار^۴ رامش^۵ خواهند داد؟ کیانند
 کسانی که بنزد شاف شناسائی^۶ منش نیک راه خواهد
 یافت؟ ☉

۱۲ † ایدون اینان هستند رهاندگان کشورها که از منش نیک
 (و) کردار (و) راستی برای خوشنودی^۱ آیین^۲ تو، پیروی
 کنند^۳، ای مزدا چه اینان بر افکنندگان^۴ خشم^۵ برگاشته
 شده اند^۶

۵۵۲

* بجای راستی و یارسانی و کشور و منش نیک: آتش سیمیس asha = اردیبهشت؛ آرمیتی
 سدسور = ārmaiti = سپندارمذ؛ خشتهر = Xshathra = شهر یور؛ وهمننگه
 واطن = vhou manah = بهمن آمده است

در این بند مانند بسیاری از بندهای دیگر گاتها پیغمبر آرزومند است که سران و
 شهر یارانی بسرکار آیند که مردم را آبادانی و رکشت و برز بکارند و آسایش و گشایش بخشند
 و دست سران و بزرگان ییادگر دیویستان را کوتاه کنند و ییشوایان گمراه کشته را که
 در بند پیش پادشاه از فرمانگزاری براندازند

† در بند پیش دیدیم که پیغمبر آرزومند است سران و شهر یارانی بسرکار آیند
 که مردم آسایش و بزمین آبادانی بخشند در اینجا فرماید: این شهر یاران که از آیین
 راستین مزدا پیروی کنند رهاندگان (= سوشیاتها) کشور بشار خواهند بود آنان را مزدا
 از برای برانداختن خشم و کوتاه ساختن دست ستم و زور بر انگیخت در باره سوشیانت
 ییادداشت شماره ۵ از بند ۱۳ از هات ۳۴ و به بند ۹ همین هات نگاه کنید

(၁၁) ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ
 ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ
 ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ
 ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ

(၁၂) ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ
 ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ
 ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ
 ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ ဝေပေဝေ

(یسناهاات ۴۹)

۱ * ایدون دیر گاهی^۱ است که بندو^۲ بزکتر ستیزه جوی^۲
من است، منی که گمراهان^۳ را از راستی خوشنود ساختن
خواهم^۴، ای مزدا، با پاداش^۵ نیک بسوی من آی^۶، مرا
پناه بخش^۷، اورا^۸، ای بهمن بامرک^۸ دریاب^۹ ॐ

۲ † ایدون این آموزگار^۱ دروغین بندو دیر باز است^۲ که
در سر راه من مانده است^۳ کسی که از راستی سرپیچیده
است^۴، در اندیشه ندارد^۵ که سپندارمذ از وی شود^۶ و
نی^۷ با بهمن پرسش و پاسخ^۸ کند ॐ

۳ و در آیین^۱ ما، ای مزدا، راستی نهاده شده^۲، از برای
سودبخشیدن^۳، در کیش (دروغین) دروغ^۴ از برای زیان
رسائیدن^۴، از اینرو آرزو دارم^۵ که بمنش نیک بیوندند^۶، همه
آمیزش^۷ با دروغپرستان را باز میدارم^۸ ॐ

۵۵۴

۴ ‡ آن بدخدانی^۱ که خشم^۲ و ستم^۳ با زبانهای خویش
بیالانند^۴، آن نه شبانان در میان شبانان^۵، نزد آنان نه
کردارهای نیک^۶، کردارهای بد^۶ فزونی کند^۷، آنان راست
خان و مان^۸ دیو که از برای دین^۹ دروغپرستان است ॐ

* بندو^۱ Bōndva که در بند آینده نیز یاد شده یکی از شهریاران دیوسنا
و دشمن یغمبر زرتشت است اوست که باز میدارد یغمبر گمراهان را از دین راستین (کش^۲
سپس) خرسند گرداند شاید بندو یکی از همان شهریاران دیوسنا (درگوت) باشد که
یغمبر در بند ۱ از هات ۴۶ از آنان دلتنگ است از بندو جداگانه سخن داشتیم
† در این بند از آموزگار یا پیشوا و یغمبر دروغین باید گرم^۱ Grəhma
'مراد باشد که در بند ۱۲ از هات ۳۲ یاد شده است بندو^۲ Bōndva که در بند
پیش گذشت یشتیان و پیرو اوست این گرم^۳ با یغمبر زرتشت در ستیزه و دشمنی است، کسی
است که از راستی (کش^۴ سپس آیین راستین) سر بیجان است، بر آن نیست سپندارمذ

۵ * ایدون کامیابی و گشایش^۱ بآن کس، ای مزدا، که دین خود بمنش نیک پیوندد^۲ هر آنکه بمیانجی راستی به پارسائی^۳ خوب شناهاست^۴ و با همه اینان بکفور تو (در آئیم)، ای اهورا

۶ هما را برانگیزانم^۱، ای مزدا وای اردیبهشت بگفتن^۲ آنچه اندیشه^۳ خرد^۴ شماست، تا اینکه ما درست باز شناسیم^۵ که چگونه باید بشنوائیم^۶ آن دین مانند شما کسان^۷ را، ای اهورا ☉

۷ † و این را بهمین بشنود^۱، ای مزدا، بشنود (نیز) اردیبهشت، تو خود گوش فراده، ای اهورا: کدام پیشوا^۲، کدام آزاده داد آور است^۳ که بکشاورز آواز^۴ نیک دهد؟ ☉

۵۵۶

۸ ‡ به فروشتر آمیزش^۱ رامش دهنده تر^۲ با اردیبهشت بخشای— برای این^۳ از تو خواهشدارم^۴، ای مزدا اهورا— و بخود من (بخشایش) کشور نیک^۵ تو هماره جلودان^۶ خواهانیم که فرستادگان^۷ (تو) باشیم ☉

* از کشور (= خشتهر 𐬰𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀 xshathra) بهت اراده شده است یعنی ابدوار است باهه آتانی که دین خود بمنش نیک (= وهومتگه ولانده 𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀 vohu manānh) پیوسته اند و بدستاری راستی یا دین راستین (= آش 𐬀𐬎𐬎𐬀) پارسائی (= آرمئیتی 𐬀𐬎𐬎𐬀) (ārmaiti) شناخته اند در کشور مینوی، از بخشایش مزدا برخوردار شوند
† یعنی در این بند از سه گروه مردمان که پیشوایان و آزادگان (= رزمبان، سپاهیان) و برزبکران باشند، یاد کرده فرماید: کدامند آن پیشوایان و آزادگان که در داد و آیین

۹ * بشنود^۱ فرمانها را^۲ پاسبان^۳ (آنکه) از برای سود
 و سائیلن^۴ آفریده شده است^۵ راستگفتار^۶ آمیزش^۷ با
 دروغپرست ننگرد^۸، اگر برآستی پیوستگان^۹ روانهای شان^{۱۰}
 را در سر انجام^{۱۱} به بهتر^{۱۲} مزد بهره ور کنند ای جاماسب ☸

۱۰ † و این را، ای مزدا، در بارگاه^۱ تو نگاهداری کنم^۲: منش
 نیک و روان^۳ پیرو راستی و نماز^۴ (و) آن پارسائی^۵ و
 کوشش^۶ را، تا تو، ای توانمای بزرگ^۷ بانیروی پایدار^۸
 بر آن پاسبانی کنی^۹

۵۵۸

* جاماسب برادر فروشتر و وزیر کی گشتاسب یکی از آزادگان است که نکهپان و باور
 دین آفریده شده و از برای نیکی و سودگذاشته گردیده و کسی است که از گفتار راست و
 درست بر خودار است و جوای دوستی و آمیزش پیروان دروغ نیست پیغمبر که خود از
 کسانی است که برآستی پیوسته و بدین بهی روی کرده، روان چنین کسان را در سر انجام^۹
 در جهان دیگر از بهترین پادشاه بهره مند خواهد ساخت

† جمله^۱ اخیر این بند روشن نیست. در سر واژهائی که در آن آمده چنانکه در یادداشتها
 خواهیم گفت، اختلاف کرده اند مانند بند ۱۱ از هات ۲۸ و بند ۲ از هات ۳۴ پیغمبر فرماید
 منش نیک و روان دینداران راستگوار و نماز و پارسائی و کوشش آنان را در راه دین دسررای
 جاودانی مزدا نگاهداری کنم تا در روز شمار از روی آن کردارهای ستوده مزد هر یک داده شود
 در باره این سرای باگنینه ای که در آنجا کردارهای نیک و کره ها نگاهداری میشود

نگاه کنید به Arische Forschungen von Bartholomae III Heft s. 49

(၁) အလှူအတန်း အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ်
 အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ်
 အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ်
 အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ်

(၂) အလှူအတန်း အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ်
 အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ်
 အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ်
 အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ် အကျဉ်းချုပ်

۱۱ * ایدون، کسانى را که (در فرمان) شهریاران بد^۱ هستند،
 که بد کردار، بد گفتار، بد دین، بد منش اند^۲، آن پیروان دروغ
 را روانها با خورش وشت^۳ پذیره شوند^۴، آمان درخان و مان
 دروغ^۵ از یاران^۶ آشکار^۷ هستند ۵۵

۱۲ † کدام است، ای اردیبهشت یاوری^۱ تو، کدام است، ای
 بهمن (یاوری) تو، از برای من زرتشت که یاری همیخوانم^۲؟
 منی که با ستایشها^۳ بشما آفرین همیخوانم^۴، ای مزدا اهورا،
 این را خواهشمندم^۵، چیزی که در بخشایش^۶ شما بهتر
 است ۵۵

* در بند یش از یاداش نیکو کاران یاد شده و در این بند از یادافراه گناهکاران
 اینچنین: آنگاه که روانهای پیروان دروغ پس از مرگ بجهان دیگر گرایند، روانهای
 گناهکاران دیگر که یش از آنان بد رود زندگی گفته بآنها رسیده اند با خورش بد بآنان روی
 کنند و آنان را درخان و مان دروغ یا دوزخ پذیرند و در آن سرای تیره از مهمانان باشند
 در بند ۲۰ از هات ۳۱ و در بند ۶ از هات ۵۳ نیز از خورش بد دوزخیان سخن رفته است در
 یادداشت شماره ۶ از بند یش گفتیم که برخی از دانشندان واژه ایژا *izā* را بمعنی
 خورش مینوی نیکوکاران دانسته اند در برابر دوش خورته *duš* و *duš* در جاهای دیگر اوستا خورش
xvaretha (= خورش بد) که در جهان دیگر گناهکاران راست در جاهای دیگر اوستا خورش
 مینوی رثوغن زرمیه نامیده شده: رثوغن *raoghna* همان است که در فارسی روغن
 کوفیم و با صفت زرمیه *zarəmayā* روغن پاکره بهاری، چنانکه در هادخت
 نسک فرگردوم در باره ۱۸ آمده در برابر خورته *xvaretha* که در باره
 ۳۶ از هادخت نسک با صفت ویشه *višaya* آمده یعنی خورش زهر آلود در نامه
 پهلوئی دادستان دینک در فصل ۳۱ قتره ۱۴ در باره خورش مینوی مینوسد: چون کره
 شیر گاو در دومین ماه بهار بهتر و خوشتر تر و بخوبی شناخته شده از اینرو خورش
 مینوی، رثوغن (= کره) بهاری نامیده شده است و در باره رسیدن روانهای نیکوکاران و
 گناهکاران بجهان دیگر بمقاله دین و گزارش هادخت نسک در جلد دوم یشتها، گزارش
 نگارنده، ص ۱۵۹-۱۷۳ نگاه کنید

۵۶۰

† پیغمبر با ستایش و درود و آفرین از مزدا اهورا بدستبازی امشا سپندان اردیبهشت
 و بهمن یاوری خواستار است، آن یاوری که در دولت ایزدی بهترین چیزها بشمار است

(11)

... ..

(12)

(سناهاات ۰۰)

۱ * آیا روان من از یاوری^۱ کسی برخوردار تواند بود؟^۲؛
 کیست که چارپایانم^۳ را، کیست آنکه مرا نگاهدار است^۴،
 آنکه بدرستی^۵ شناخته شده^۶، آنگاه که من بیاری همخوانم^۷،
 جز^۸ از راستی و تو، ای مزدا اهورا و بهتر منش^۹ ۰۰

۲ † چگونه، ای مزدا، کسی که چارپای خرمی بخش^۱
 خواستار است^۲، کسی که آرزو دارد^۳ که آن با کشت زار^۴ از
 آن او شود^۵، آن کسی که از روی دین راستین، درست
 زندگی کننده^۶، در میان بسیاری^۷ که بخورشید^۸ نگرند^۹؛
 تو آنان را در روز شمار^{۱۰} در سرای^{۱۱} هوشیاران^{۱۲} جای
 دهی^{۱۳} ۰۰

۳ ‡ و از برای او خواهد بود، ای مزدا، بدستکاری اردیبهشت
 آنچه را که او (مزدا) بمیانچی شهر یور و بهمن پیمان داد^۱،
 آن مردی که از نیروی^۲ آشی بیلانند^۳ هستی^۴ را که
 همسایه^۵ دروغپرست بهره و راست^۶ ۰۰

۵۶۲

* یغبر برسد: آپایس از سرک، در جهان دیگر روانم از پناه و یاوری ایزدی
 برخوردار خواهد بود، آنچنان که در این جهان آن یاوری از من و چارپایانم دریغ
 نیشود، هر آنگاه که مزدا و امشاسپندان^۱ اردیبهشت و بهمن را بسیاری همخوانم
 کیست جز از مزدا
 دا درس روان در روز پسین؟

‡ چون چند واژه در جمله آخری روشن نیست معنی خود جمله تاریک مانده است گزارش
 هیچک از دانشمند برابر هم نیست بارتولومه Bartholomae این بند را دو بخش نوده: در
 نخستین بخش پرسش زرتشت است از مزدا در باره یاداش پسین؛ در بخش دوم، پاسخ
 مزداست زرتشت و آن در جمله اخیر است که چنین ترجمه شده: «آنگاه که روز شمار فرارسد،
 آنان را در سرای هوشیاران (= بهشت) جای خواهم داد» همین جمله را گلدنر Geldner
 چنین گردانیده است: «چون تو آنان را در روز داوری یاداش بخشی؟ مرا از دادگران
 پذیر» شك نیست که از واژه های چارپای خرمی بخش و کشت زار که در این جهان آرزوی
 هر يك از بزرگران^۱ یروان دین راستین است، یعنی استعاره، در جهان دیگر یاداش پسین

(۵۰۰ ماده مجازات)

(۱) و ...
 ...
 ...

(۲) و ...
 ...
 ...

(۳) و ...
 ...
 ...

۵۶۳

و بخشایش مبنوی اراده شده است به بند ۶ از هات ۴۴ و به بند ۵ از هات ۵۱ نگاه کنید همچنین از عبارت « کسانی که بخورشید نکرند » دادستان روز پسین اراده شده یا دادگاه ایزدی در آنجائی که سردمان از برای داوری در آیند

‡ ضمیر « او » در آغاز این بند باید از برای کی گشتاسب، دوست یئمبر و پشتیان دین مزدبستا آورده شده باشد مزداهورا بدستیاری امشاسیند اردبیهشت (آتش سینه) آنچه را که ید و بیانچی متاسپندان خویش شهرور و بهمن بیان داد، ارزانی خواهد داشت یشبر امیسوار است که کی گشتاسب در برابر پاداش ایزدی، از نیروی اشی سینه . ashi که فرشته توانگری است، دین مزدبستا را در سرزمین هسایه که هنوز در فرمان شهریار دیو بستا و یرو آیین دروغین (درگوت و درگوت) است رواج دهد، زندگی و هستی که در آن سرزمین بهر موزند از یر تو دین راستین مزدبستا ییالد و از آبادانی برخوردار گردد در باره دروغبیرست (درگوت) که بسا در گاتها از آن یکی از سران و فرمانکاران و شهریاران دیوبستا و دشمن مزدبستا اراده شده به بند ۴ از هات ۴۶ نگاه کنید و از برای اشی سینه . ashi فرشته توانگر و آبادانی و بهره و بخش و پاداش، پاداش شماره ۵ از بند ۴ از هات ۲۸ و بهقاله اشی (= ارت) در جلد دوم یشتها، گزارش نگارنده، ص ۱۷۹-۱۸۵ نگاه کنید اشی ، ر بند ۹ همین هات بمعنی پاداش است

۴ ایدون شمارا ستایشکنان پرستش همیکتم^۱، ای مزداهورا
همچنان^۲ راستی و بهتر منش و شهر یاری (مینوی) را،
تا اینکه نماینده^۳ (کردارها) که آرزو شده^۴ راند مردان
است^۵ فرمانبراز^۶ را درواه^۷ بسوی گرزمان^۸ (بهشت)
همیایستد^۹ ۰۰

۵ † آری از شما بر خوردار شوم^۱، ای مزداهورا وای اردیبهشت،
چه شما پیغمبر^۲ تان مهربانید^۳، با یاری^۴ پدیدار^۵ (و)
آشکار^۶ که بیک جنبش دست^۷ بما فردوس^۸ ارزانی دارد^۹ ۰۰

۶ ‡ پیغمبر نماز گزار^۱ آواز برداشته^۲، ای مزدا، آن دوست^۳
راستی زرنشت بکند دادار^۴ خرد بمیانجی منعی نیک، آیین^۵
خویش بیاموزاند تا اینکه زبانم را راه^۶ (راست) بود^۷ ۰۰

۷ § ایدون از برای شما با انگیزش^۱ نیایش^۲ تان، چست تر^۳
تکاوران^۴ پهنانورده^۵ و چیر^۶ بر انگیزم^۷، ای مزدا، ای
اردیبهشت، ای بهمن، با آنها فراز آید^۸ بکند که از برای
باری من باشید ۰۰

۵۶۴

۸ §§ باسرودهای^۱ شناخته شده^۲ که از کوشش^۳ (من است)
بشماروی کنم^۴، ای مزدا، با دستهای بلند شده^۵، و بشما^۶
ای اردیبهشت، با نماز یارسایان^۷، و بشما با آنچه از هنر^۸
منش نیک است ۰۰

* یعنی ستایشم مزداهورا و امشاسپندان را باین ابد است که پس از مرگ،
آنگاه که کردارهای جهانی مردمان بیکر آسا آشکار گردد، از برای راهنمایی در سر راه
بهشت مانند انتظار بیروان و فرمانبرداران بماند یادداشت شماره ۱۰ از بند ۲ همین هات نگاه کنید
‡ جنبش دست یا بغواست دست، چنانکه در متن آمده و در بند ۴ از هات ۳۴ نیز
بان بر خوردیم یعنی اشاره دست

- (۴) ...
...
- (۵) ...
...
- (۶) ...
...
- (۷) ...
...
- (۸) ...
...

۵۶۵

‡ پیغمبر در این بند نخست از خود با فعل غایب یا سومین کس سخن میدارد، چنانکه در بند های ۳ و ۱۶ از هات ۴۳ و س از آن با ضمیر 'متکلمه' یا نخستین کس
 § پیغمبر شاعرانه فرماید: با ستایش و نیش تکاوران (= اسبهای) پهناورد و چیز
 بر انگیزم تا اینکه مزدا و امشاسپندان با آنها زود تر از برای باری من فرارستند
 §§ پیغمبر با سرودهای شناخته شده خوش که همین گاتها باشد دستها را بلند نموده
 مزدا را ستایش کند، ناز و درود هم " یارسایان را با هر آنچه از هنر منش نیک شرده شود
 به پیشگاه اهورا آورد

۹ * با این پرستش ستایشکنان^۱ بسوی شما آیم^۲، ای مزدا^۱،
ای اردیبهشت^۳، با کردارهای منش نیک^۴، آنگاه^۳ که بدخواه^۴
بیاداش^۵ خود دست یاقتم^۶، پس از آن کوشا^۷ تا نیک اندیش^۸
(نیز) از آن بر گیرد^۹ ۰۰

۱۰ † و آن کردارهایی که من خواهم ورزید^۱، و آن
(کردارهای) پیش^۲، و آنچه^۳، ای منش نیک^۴، بچشم^۳ ارزش
دارد^۴ (چون) روشنائی^۵ خورشید^۶ (و) سپیده^۷
بامداد روز^۸ (همه) از برای نیایش شماست^۹، ای راستی^۹،
ای مزدا اهورا ۰۰

۵۶۶

۱۱ ‡ و ستایشگر^۱ شما، ای مزدا^۱، خواهم خوانده شوم^۲ و
(چنین) باشم تا چند که توش و توان دارم^۳، ای راستی
دادار جهان^۴ از منش نیک (چنان) سازده^۵ که او
درست بجای آورد^۶ آنچه را که بخواست وی سازگار تر
است^۷ ۰۰

* یعنی پس از آنکه من در جهان دیگر از هر تو ستایش و پرستش و کردارهای
نیک خویش در بهشت برین کامروا گشتم و دانستم که از آمرزیدگانم، آنگاه کوشش من
در این خواهد بود که نیک اندیشان و بیروان دین راستین نیز از بخشایش مزدا بهره‌ور
گردند

† یعنی هر آن کردار یکی که در آینده از من سر خواهد زد و آنچه در گذشته
بجای آوردم و هر آنچه در کیتی نیک و نفع است همه از برای نیایش مزداست
‡ یعنی گوید: تا مرا در زندگی تاب و توانائی است ستایشگر مزدا و آیین گستر خواهم
بود اما شما، ای جهانان، آفریدگار کیتی خواستار است که در زندگی با کردارهای نیک تان
بجای آورید آنچه را که خواست اهورا است

(۹) تعمیرات و ترمیمات کلیه بناها و سازه‌های موجود در محدوده طرح به منظور
 نگهداری و افزایش عمر مفید آنها و همچنین تعمیرات و ترمیمات کلیه
 تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین تعمیرات و
 ترمیمات کلیه تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین
 تعمیرات و ترمیمات کلیه تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین

(۱۰) تعمیرات و ترمیمات کلیه بناها و سازه‌های موجود در محدوده طرح به منظور
 نگهداری و افزایش عمر مفید آنها و همچنین تعمیرات و ترمیمات کلیه
 تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین تعمیرات و
 ترمیمات کلیه تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین

تعمیرات و ترمیمات کلیه بناها و سازه‌های موجود در محدوده طرح به منظور
 نگهداری و افزایش عمر مفید آنها و همچنین تعمیرات و ترمیمات کلیه
 تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین تعمیرات و
 ترمیمات کلیه تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین

۵۶۷

(۱۱) تعمیرات و ترمیمات کلیه بناها و سازه‌های موجود در محدوده طرح به منظور
 نگهداری و افزایش عمر مفید آنها و همچنین تعمیرات و ترمیمات کلیه
 تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین تعمیرات و
 ترمیمات کلیه تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین
 تعمیرات و ترمیمات کلیه تأسیسات و تجهیزات موجود در بناها و سازه‌ها و همچنین

وهوختر گات (یسنا هات ۵۱)

۱ * کشور نیک برگزیده شده^۱ ، بهره^۲ شایان تر^۳ راستی ،
از برای کسی فراهم گردد^۴ ، ای مزدا ، که با کوشش^۵ در
کردار هایش بهتری بجای آورد^۶ این را^۷ اکنون^۸ خواهم
که از برای مان بسازم^۹ ॐ

۲ † پس اینچنین^۱ ، ای مزدا اهورا ، نخست^۲ بنمای^۳ بمن
کشور (مینوی) که دارائی^۴ شماست و آن اردیبهشت و آن
نست ، ای سپندارمذ ، بخشای میانجی بمن سود^۵
(کشور) مان را بان کسی که نیایشگر است^۶ ॐ

۵۶۸


۳ ‡ گوشهای^۱ مان باید با کسانی شوند^۲ که در کردار هایشان و
در زبانشان^۳ ، ای اهورا و ای اردیبهشت ، بگفتارهای^۴ شما
پیوستند^۵ (و) بمنش نیک آمان راتو^۶ ، ای مزدا ، نخستین
آموزگار^۷ هستی ॐ

* یعنی کشور (خشهر) یا Xshathra (نیک مینوی یا بهشت بخشش راستی
است و این از برای کسی است که در جهان نیکی کند. من زرتشت میکوشم که از چنین
بخشی برخوردار شویم نخستین شعر این بند « کشور نیک برگزیده شده ، بهره شایان تر »
در انجام یاره^۱ از یسنا ۶۳ و انجام یاره^{۱۶} از یسنا ۶۵ و انجام یاره^۳ از یسنا ۶۹
آورده شده است

† از برای بندگان خدا برست بخشایش فردوس خواسته شده است
‡ پیغمبر گوید: ای اهورا سنایش کسانی را بشنوبد که در کردار و گفتار (= زبان)
شان بسختان ایزدی پیوستند و پرو دین راستین هستند

(5 | සංගීතය සහ සංගීත කලාව)

දීර්ඝ. පා. සංගීතය. සංගීත කලාව.

(1)  පා. සංගීතය-දීර්ඝ. පා. සංගීතය.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

(2) සංගීතය. පා. සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

569

(3) සංගීතය. පා. සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

සංගීතය. සංගීත කලාව.

۴ * کجا^۱ از برای رنج^۲ مزد^۳ برپا ایستد^۴ (و) کجا
 آرزوش^۵؟ کجا از راستی برخوردار^۶ خواهند شد؟ کجا
 پارسائی پاک^۷؟ کجا بهتر منش^۸؟ کجا کشور (مینوی) تو^۹، ای
 مزدا؟^{۱۰} ☉

۵ † همه اینها را میپرسم: چگونه راستی از چاربا برخوردار
 گردد^۱، برزیکر^۲ درستکردار^۳ (و) خوب خرد^۴، اگر او
 نماز برده^۵ (همان) کسی را که بدانا^۶، داور درستکر دار^۷
 پیمان داد^۸، (داوری) که بهر دو پاداش^۹ تواناست^{۱۰} ☉

۶ ‡ او، اهورا مزدا، از کشور (مینوی) خویش آنچه از به
 بهتر است^۱ بدهد^۲ بآن کسی که خواست وی بجای آورد^۳
 و آنچه از بدتر است بآن کسی که وی را خوشنود نسازد^۴
 در پایان گردش کیتی^۵ ☉

۵۷۰

یعنی در کجا رنج بردگان بزد رسند و رنج دیدگان آمرزیده شوند؟ در کجا
 از بخشایش راستی (= آتش سیزد- اردیبهشت) و پارسائی (= آرمیتی دد- پرمهس- سدله-دوره-
 سیندارمد) و بهتر منش (= وهیشت منگه واسه-دوره-هس-هس-دوره-بهمن) برخوردار خواهند
 گردید؟ از جمله آخر پاسخ این پرسشها برمیآید: در کشور مینوی مزدا (خشتر
 دایوس-سلا-س) یعنی در بهشت

† در بند ۲ از هات ۵۰ دیدیم که از واژه گاو گاو (gao = گاو یا چاربا) در
 استعاره پاداش روز پسین و بخشایش مینوی اراده شده است چون در این جهان ستوران و
 کشت زار آرزوی کشاورزان و مایه خوشی و آسایش آنان است از برای پاداش جهان
 دیگر همین واژه بمعنی استعاره بکار رفته است (به بند ۲ از هات ۵۰ نگاه کنید) همچنین در

(۴) و در آنند. سرانجام. سرانجام.

و در آنند. سرانجام. سرانجام.

و در آنند. سرانجام. سرانجام.

و در آنند. سرانجام. سرانجام.

و در آنند. سرانجام. سرانجام.

و در آنند. سرانجام. سرانجام.

(۵) چاپ شده. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

۵۷۱

(۶) چاپ شده. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

سرانجام. سرانجام. سرانجام.

بند ۲ از هات ۲۱ دیدیم که زرتشت در روز پسین داور دادستان ایزدی است پس از پناه آوردن این دو بند کوئیم ییغبر در این بند فرماید: برزیکران درستکردار که ییرو دین راستین اند در جهان دیگر کامروا گردند و آنچه آرزو دارند در یابند چه آنان همان خدائی را پرستش کنند که زرتشت را داور درستکردار روز شمار خواند چون چنین پیمان رفته و داوری با کسی خواهد بود که ییاداش نیکو کاران و هم ییاد افراه گناهکاران دست خواهد داشت، کشاورزان بیخشایش روز پسین امیدوار توانند بود

‡ پس از سر آمدن زندگی جهانی آنگاه که کشور مینوی آراسته گردد، مریدا اهورا کسانی را که فرمانبرد دین راستین بودند، بهترین پاداش بششد و آنانی که از فرمان ایزدی سر پیچیدند سختترین سزا یابند به بند ۲ از هات ۴۳ و به بند ۱۱ از هات ۴۹ نیز نگاه کنید

۷ * بیخشیای بمن تو ای کسی که جانور و آبها و گیاهها آفریدی^۱
بدستیاری پاکتر خردت^۲ جاودانی و رسائی^۳ ، ای مزدا
توش^۴ و یابداری^۵ بمیانچی منش نیک در داوری^۶ (بسین) ۵

۸ † پس ایدون از این دو چیز سخن میدارم^۱ ، ای مزدا-؛
چه باید آن را به دانائی^۲ گفت- آن بدی^۳ که از برای پیرو
دروغ (و) آن خوشی^۴ ، از برای کسی که راستی فرا گرفت^۵
آری^۶ او، پیغمبر^۷ شاد است^۸ که آن را به دانائی بگوید ۵

۹ ‡ آن سزائی^۱ که تو بدو گروه^۲ خواهی داد، از (آزمایش)
آذو سرخ^۳ خود و آهن کداخته^۴ ، ای مزدا، (از آن)
نشانی^۵ در جانها^۶ بگذار^۷ : زبان^۸ از برای پیرو دروغ،
سود از برای پیرو راستی ۵

۵۷۲

۱۰ § و جزا^۱ از او کیست آن کسی که تباہ ساختن من خواهد^۲،
ای مزدا، آن کسی که زاده^۳ آفرینش^۴ دروغ است، از اینرو
بدخواه^۵ مردمان^۶
بسوی خویش راستی را هیمخوانم^۷ تا اینکه با پاداش نیک
از پی در رسد^۸ ۵

* پیغمبر خواستار است که خداوند از خرد پاک خویش در جهان دیگر باورلسائی
و جاودانی دهد و در هنگام داوری روز شمار باو توش و توان بخشد تا بتواند در روز
آزمایش بسین پایدار و استوار ماند

† از بدی و زیان پیروان دروغ و از خوشی و رستگاری پیروان دین راستین،
در جهان دیگر، که پیغمبر میخواهد از آنها سخن بدارد، در بند آینده آمده است
‡ در این بند، چنانکه در بند ۷ از هات ۳۰ و بندهای ۳ و ۱۹ از هات ۳۱ و بند ۴ از
هات ۴۳ و بند ۶ از هات ۴۷، از رستاخیز و آزمایش آتش افروخته و آهن کداخته یاد شده است پاداش
و یاد افراه هر دو گروه از سردمان: مزدستان یا دیو بسنان یا پیروان دین راستین و پیروان کیش
دروغین پس از این آزمایش داده خواهد شد نیکی و بدی: کرفه و گناه مانند زر سره و ناسره
در برابر بزبان آذر مینوی و تابش آهن کداخته هریدا خواهد کردید. در آن روز پاک از

(۷) و سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

(۸) سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

(۹) سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

(۱۰) سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

سوس. سوس. سوس. سوس. سوس. سوس.

تا ياك شناخته خواهد شد، آنگاه آسب يروان دروغ و دستگاری يروان راستی نشانه آن
آزمایش بزرگ خواهد بود
§ از دشمنی که يغبیر دلتکک و گله مند است تا کزیر کسی بوده که شتوندگان و يروانش
او را بخوبی ميشناخته اند و يغبیر نیازمند نبوده که از او نام برد

۱۱ کیست آن مردی که دوست^۱ سپیتمان زرتشت است،
 ای مزد^۲؟ یا کیست آنکه از دین راستین اندرز پرسد^۳؟
 یا کیست پارسائی پاک (سپندارمذ)؟ یا کیست آن درمستگرداری^۴
 که از منش نیک بآیین^۵ مغ^۶ اندیشد^۷؟ ☉

۱۲ * او را خوشنود ساخت^۱، چاکر^۲ فرومایه^۳ کوی درگذر
 زمستان^۴، آن زرتشت سپیتمان را، آنچه آنرا که او را بفرود
 آمدن^۵، باز داشت^۶، آن هنگامی که چارپایانش^۷ بسوی وی
 رفتند و از سرما^۸ لرزان^۹ (بودند) ☉

۵۷۴

۱۳ † اینچنین نهاد دروغپرست تباه کرد^۱ از برای خود (پاداش)
 آشکار^۲ (راه) درست را^۳ روانش هنگام هویدا شدن
 (کردارها)^۴ در سریل چینوت بهراس افتد^۵، چه از کزدار
 و زبان^۶ خویش از راه راستی برگشت^۷ ☉

* در این بند یغمبر یاد آور سرگذشتی است که بدو روی داده: روزی یغمبر بجایی
 که آن را گذر زمستان (= پرتوزمو 𐬨𐬀𐬎𐬎𐬀𐬎𐬀 - 𐬀𐬎𐬎𐬀: Peretōzēmō) نامیده دُچار سرم
 و دمه گشته خود و اسبهای لرزان خواست بسرای یکی از گاشتگان کوی پناه برد، وی را
 پذیرفت در بند آینده فرماید: این دروغپرست که بدر ماندگان پناه نداده، در جهان دیگر از
 پناه ایزدی که در خور راهروان راه راستی است بی بهره ماند و روانش در سریل
 چینوت (صراط) به بیم و هراس افتد

این کس را یغمبر به پستی یاد کرده است کوی (= کی) و «Kavi» عنوانی است
 چون فرمانده و سردار و شهیار شاید این کوی همان بند و «Bānda» باشد که
 یکی از شهیاران دیوسنا و دشمن آیین زرتشت است و در بند ۱ از هات ۴۹ یاد گردیده است

(۱۱) و (۱۲) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۳) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۴) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۵) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۶) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۷) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۸) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۹) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۲۰) در آنجا. در آنجا. در آنجا.

(۱۲) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۳) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۴) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۵) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۶) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۷) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۸) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۹) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۲۰) در آنجا. در آنجا. در آنجا.

(۱۳) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۴) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۵) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۶) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۷) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۸) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۱۹) در آنجا. در آنجا. در آنجا.
 و (۲۰) در آنجا. در آنجا. در آنجا.

† بجای نهاد دانا و سواد. dañā آمده. در اینجا چنانکه در یاد داشت شماره ۱۲ از بند ۱۱ از هات ۳۱ گفتیم یعنی نهاد یا وجدان است نه یعنی دین و کیش در بند ۱۱ از هات ۴۶ نیز از روان و نهاد = کرشنا (کناهاگاران سخن رفته که در جهان دیگر، آنگاه که بسریل چنوت رسند و کردارهای زشت جهانی خود را هویدا و آشکارا، بیکر آسا در پیش چشم خود بینند، بهراس افتند، خروش و قنن بر آورند

۱۴ * بدستورا^۱ و داد^۲ برزیگری^۳ ، کرینها فرما تبردار^۴
نیستند. برای آزاری^۵ که آنان از کردارها و گفتارهای^۶
خودشان بچار پایان (میرسانند) ، بجای آر^۷ آن داوری^۸
که در پایان^۹ درخان و مان دروغ^{۱۰} خواهی داد ◊

۱۵ † آن مزدی^۱ که زرتشت از برای مغان^۲ از پیش نوید داد^۳
در گرزمان^۴ ، اهورا مزدا نخستین^۵ (بدانجا) در آمد^۶
این است از برای شما ، از پرتو منش نیک و راستی آن
رستگاری که من نوید میدهم

۱۶ ‡ کی گشتاسب با شهر یاری^۱ این آیین^۲ مغانی^۳ بپذیرفت^۴
(و) باراهای^۵ منش نیک ، آن (آموزشی) که مزدا اهورای
پاک با راستی بیندیشید^۶ اینچنین (کار) بکام^۷ ما
انجام گیرد ◊

۵۷۶

* یعنی کرینها (کرین و سدسهسا Karapan): ییشوایان کیش دروغین دیویسنا از داد و دستوری که در دین راستین مزدیسنا از برای کشت و برز آمده فرمان نیبرند و در جشنهای دینی خویش چارپایان را از برای خوشنودی خدایان خویش همیکشدن تو ای مزدا آن سزائی که در پایان گردش کیتی از برای چنین تباہکارانی در دوزخ (= خان و مان دروغ) برقرار داشتی درباره آنان بجای آر به بند های ۱۲ و ۱۴ از هات ۳۲ نیز نگاه کنید

† در بند بیش دیدیم که پیغمبر فرمود: خان و مان دروغ (= دوزخ) با دافراه کسانی است که سر از دستور و داد برزیگری و آیین کشاورزی بیچند و بچار پایان ستم روا دارند در این بند فرماید: گرودمان (گرودمان) Garō demāna (= گرزمان = بهشت) 'مزد پیروان دین راستین یا مغان است کسانی که منش نیک آراسته اند، رستگاری یا بند و در گرزمان در آیند، در آنجائی که نخست خود اهورا مزدا پرتو افکنند

‡ پیغمبر در بند های ۱۶ - ۱۹ چهار تن از باران نامور خود را به نیکی یاد میکند: نخست کی گشتاسب که پشتیبان دین زرتشت است. باگرویدن این شهر یار بدین راستین مزدا و برگزیدن راه درست منش نیک، پیغمبر امیدوار است که با پشتیبانی این شهر یار در دین گسنری کامیاب گردد و از گزند دشمنان برکنار ماند

۱۷ * فرשוستر هوگو-پیکر^۱ بزگوار^۲ بمن بنمود^۳، از برای
دین نیکش مزدا اهورای توانا^۴ آنچه آرزوشده^۵ بدو بخشایاد^۶،
تا اینکه بدارائی^۷ راستی بر خوردار گردد^۸ ☉

۱۸ † این آیین را جاماسب هوگو^۱ از روی راستی چون دارائی^۱
قر^۲، از برای خود برگزید^۳ (آری) این کشور منش نیک
را جوید^۴ . این را بمن ببخشای، ای اهورا که آنان در پناه
تو باشند^۵، ای مزدا ☉

۱۹ ‡ این مرد^۱، مدیو ماه سییتمان خود بر آن داده^۲، پس از
آنکه در دلش^۳ شناخت^۴ کسی را که در جهان^۵ میکوشد^۶،
آن کس را بیا گاهاند^۷ از آیین^۸ مزدا، چیزی که در
کردارهای زندگی^۹ بهتر است^{۱۰} ☉

۵۷۸

* فرשוستر از خاندان هوگو-پیکر Hvōgva برادر جاماسب و وزیر
کی گشتاسب است بنا بمعنی که جدا گانه از هر يك از لغت‌های این بند برمیآید، آنچنان که
در یادداشتها دیده میشود، از این بند رو به مرته معنی جز از این بر نیاید از جمله «فرشوستر
پیکر بزگوار^۱ بیغمبر بنمود» مقصود روشن نیست بنا بگزارش پهلوی (زند) در همین
بند، فرشوستر دختر خود هووی Hvōvī را بزنی بیغمبر داد برخی از دانشمندان،
از آنان است استاد بارتولومه Bartholomae نظر بهمین گزارش پهلوی و سنت این بند را
اشاره بهمین زن دانسته است جدا گانه از فرشوستر و دخترش هووی سخن داشتیم

† جاماسب از خاندان هوگو-پیکر برادر فرشوستر و وزیر کی گشتاسب است، اوست که
بدارائی فر ایزدی رسیده بآیین راستین گروید و خواستار بخشایش کشور مینوی (بهشت)
مزدا است

(۱۷) و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.

(۱۸) و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.

(۱۹) و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.
و بنا بر این. بنا بر این. بنا بر این.

۵۷۹

‡ مدیو ماه (سردی در سینه) از خاندان سیستان، از دودمان خود زرتشت است، در سنت پسر عموی پیغمبر است اوست که آیین مزدا و دین زرتشت بر دم پیامو زانند و بگردارهایی که در زندگانی ستوده تر و بهتر است رهبری کنند تا کسانی که خواستار بخشایش روز بسین اند و از برای آن کوشا، در جهان دیگر کاسروا کردند و با آزوی خویش رسند به بند ۱۵ از هات ۴۶ و بیاد داشت آن نگاه کنید

۲۰ * این بخشایش را^۱ بما ارزانی دارید^۲ شما ای کسانی که همه (با یکدیگر) همکام^۳ هستید با راستی، با منش نیک با آن پارسائی که چون در نماز^۴ ستوده شوید^۵ مزدا از روی دستور (خویش) ^۶ یاری ^۷ بخشد^۸ ۵

۲۱ † از پارسائی^۱ مرد پاك^۲ گردد. این کس از پندار^۳، گفتار، کردار (و) دینش راستی بر فرازاید^۴، بمیانجی منش نیک، مزدا اهورا (باو) کشور (مینوی) دهد. این پاداش^۵ نیک را آرزومندم^۶ ۵

۲۲ ‡ کسی که از برای من از روی راستی ستایش^۱ بهتر است، میشناسد^۲ مزدا اهورا. اینان را که بوده و هستند بنام^۳ خودشان میستایم و با درود^۴ (بآنان) نزدیک میشوم^۵ ۵

۵۸۰

* بجای راستی و منش نیک و پارسائی: آتش سیدس = asha = اردیبهشت؛ وهو متنگه و لایس = و سبوس = vohu mananh = بهمن؛ آرمیتی سلهدهد = armaiti = سیندارمذ آمده این امشاسپندان اند که با مزدا همکام هستند، خواست (اراده) مزدا با مهن فرشتگان جاودانی یکی است هر آنکه بآنان نیاز برد و ستایش بجای آورد، مزدا اهورا آنچنان که بیان رفته بد و یاری بخشد و پاداش نیک دهد در باره ۸۳ فروردین یشت در همکام (هم اراده) بودن هفت امشاسپندان آمده: «هر هفت هیندار و هگفتار و همکردار اند، هر هفت را اندیشه و گفتار و کردار یکی است و همه را یک پدر و یک سرور است، اوست دادار اهورا مزدا» † پاداش کشور مینوی (= بهشت) که خود پیغمبر آرزومند آن است بآن پارسا و برهیزگاری ارزانی خواهد شد که با پندار و گفتار و کردار و نهاد نیک راستی برافزاید و دین راستین را پیش برد ‡ بگفته استاد بارتولومه Bartholomae در این بند مقصود پیغمبر از «کسانی که بوده و هستند» آنانی هستند که در دین گسترتری کوشیده اند و ستایش شان بدرگاه مزدا پذیرفته شده در خور پاداش روز پسین میباشند. پیغمبر چنین کسانی را بنام شان ستوده درود میفرستد بگفته استاد لومل Kommel مقصود این است: «کسی که نزد من ستایش از همه چیز بهتر است میشناسم، آن کس مزدا اهورا و امشاسپندانست هستند بآنان ستایش و درود روی کنم» نگاه کنید به Zeitschrift für Indologie und Iranistik. Herausgegeben

- (۲۰) ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
(۲۱) ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
(۲۲) ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.

۵۸۱

im Auftrag D.M. G. von M. Geiger, Band 1 Heft 1 ; Leipzig 1922 S. 16 ; Nachrichten von der Gesellschaft der Wissenschaft zu Göttingen. Gāthā's des Zarathustra, Yasna 47-51' S. 161.
Selections from Avesta and old Persian, Part 1, by Tarapore- و به vala, Calcutta 1922, p. 66.
هین بند ۲۲ از هات ۵۱ در یاره ۲ از یسنا ۱۵ آمده و در یاره ۱ از یسنا ۶۳ و در یاره ۱۶ از یسنا ۶۵ و در یاره ۱ از یسنا ۶۹ تکرار شده است جز اینکه در آن یاره بد و نخستین و از ه از این بند تغییری داده شده است و آورده شده است
ناز معرف ینکه هاتام ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا. ۛاساۛا.
خرد ه اوستا ص ۵۶ و به یسنا ۲۱ در نخستین جلد یسنا ص ۲۱۵ و به یسنا ۲۷ یاره ۱۵
هچتین در نخستین جلد یسنا ص ۲۳۲. گزارش نگارنده نگاه کشید

وهیشتواشت گات (سناها ۵۳)

۱ * بهتر دارائی^۱ که شناخته شده^۲ ، آن زرتشت سپیتمان است که از پرتو راستی مزدا اهورا باو خواهد داد: آری^۳ آن خرمی^۴ زندگی خوش^۵ جاودان^۶ همچنین بآسانی که بکار برند^۷ و بیاموزند^۸ سخنان و کردارهای^۹ دین نیکش را ☉

۲ † و اینان راست که از پندار، گفتار و کردار بخوشنودی وی پیوندند^۱ ، شادمانه^۲ بنیایش مزدا و ستایشش: همانا کی گشتاسب؛ پسر زرتشت^۳ سپیتمان و فروشتر یارایند^۴ راه راست^۵ آن دین رهاننده را که اهورا فرو فرستاد^۶ ☉

۵۸۲

* در این بند ، چنانکه در بسیاری از بندهای گاتها ، ییغبر از خود چون سومین کس نام برده فرماید: بهترین دارائی که شنیده و شناخته شده اهورا مزدا از پرتو دین راستین پن ارزانی خواهد داشت و مرا رستگار و از زندگی جاودانی برخوردار خواهد نمود همچنین همه کسانی که دستورهای دین پاکم را یاد سبرند ، از دولت جاودانی ایزدی بهره ور خواهند گردید

† در بنده گذشته دیدیم که ییغبر فرمود: کسانی که دین راستین را پیروی کنند در جهان دیگر پادشاه یافته بدارائی جاودانی رسند در اینجا فرماید ، یاوران دینم چون کی گشتاسب و یسرم و فروشتر که از برای خوشنودی مزدا با پندار و گفتار و کردار نیک راه راست دین رهاننده (= سوشیانت) را یارایند ، در خور همان پادشاه خواهند بود در یادداشت شماره ۵ از بند ۱۳ از هات ۳۴ گفتیم که سوشیانت (دسپاسوسپیرو) یا رهاننده و رستگار سازنده و سود جاودانی بخشنده در اینجا خود ییغبر زرتشت است

(53)

... ..

(1)

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

583

(2)

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

... ..

۵ * سخنانی ۱ بکنیزگان ۲ بشوی رونده ۳ گویم و بشما ۴ (نیز)
 پند دهند ۵. آن را ۶ بیاد بسپارید ۷ و دریا بید ۸ در نهادهای ۹
 (خود) در کوشش ۱۰ زندگی ۱۱ منش نیک در راستی یکی
 از شما باید برد یگری ۱۲ برتری جوید ۱۳ چه این از برای وی
 مُرد خوب ۱۴ خواهد بود ۱۵

۶ † بدرستی ۱ آن چنین است ۲، ای مردان و زنان ۳. هر آن
 کشایشی ۴ که نزد پیرو ۵ دروغ مینگرید ۶ از خود او ۷
 . . . گرفته خواهد شد ۸. افسوس برندگان ۱۰ راست
 خورش بد ۱۱، رامش ۱۲ برگردد ۱۳ از دروغ پرستان که آیین
 آزار اند ۱۴ اینگونه ۱۵ (نیز) شما زندگی مینوی ۱۶ خود
 تباہ میکنید ۱۷

۵۸۶

* در این بند روی سخن پیغمبر بهمه کسبگانی (= دختران) است که در جشن
 یوکانی (عروسی) هستند و بویژه به یوک (عروس) و داماد که پودوچیت و جاملسب باشند
 پیغمبر فرماید: اندرزم درست یاد بسپارید تا در راه کوششی که در این جهان برای
 برخوردار شدن از زندگی جاودانی که در خوریاک منشان است، بکارتان آید
 در راستی یا در دین راستین (آش سیس) باید از هدیگر برتری جوید چه مایه
 رستگاری و شادمانی و یاداش مینوی در این است
 † خوشی و نیکبختی که امروزه نزد پیروکیش دروغ می بینید، فردا در جهان دیگر، از
 او گرفته خواهد شد. دروغ پرستان آیین آزار را جز وای و دریغ و خورش زشت دوزخی
 چیز دیگر نخواهد بود، رامش و بخشایش بهشت از آنان دور خواهد ماند. آری چنین خواهد
 بود، مگر شما مردان و زنان نیز در این جهان مانند پیروان کیش دروغین رفتار کنید،
 هستی و زندگی آینده مینوی خویشتن بدست خودتان تباہ گردانید

(۵) دوسومفوس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .

۵۸۷

(۶) وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .
 وایسوروس پلوسیس . وایسوروس پلوسیس .

در بند ۲۰ از هات ۳۱ و در بند ۱۱ از هات ۴۹ از بانگ دریغ و فریاد دروغیرستان
 و از خورش دوزخی این گناهگران نیز یاد شده بآنها نگاه کنید
 در بند ۱۰ از هات ۳۰ نیز از شکست یافتن بدان در پایان ، سخن رفته است
 بجای نقطه ها چند واژه خراب و در وزن شعر زیادتی است زیاد داشت آن نگاه کنید

۷ * و شمارا مُزدا^۱ این آیین مُغ^۲ خواهد بود؛ تا چند^۳ که
 کوششی^۴ دل داده تر^۵ در بُن^۶ و ریشه^۷ شماس^۸، در آنجائی^۹
 که روان^{۱۰} دروغپرست برکنار^{۱۱} و ننگون^{۱۲} دوتا گشته^{۱۳}
 نابود خواهد شد^{۱۴}. اگر این آیین مُغ^{۱۵} فرو هلید^{۱۶}، بانگ
 دروغ^{۱۷} در انجام^{۱۸} گرفتار^{۱۹} شما خواهد بود ☉

۸ † اینچنین^۱ بدکرداران^۲ فریفته^۳ باشند و باسیب رها گشته^۴
 همگان^۵ خروش بر آرند^۶ بکنند از شهریاران خوب^۷ او
 (مزدا) شکست^۸ و کزنند^۹ (بانان رساند) و رامش^{۱۰} از
 آنان بدههای^{۱۱} شاد^{۱۲} دهد و زود^{۱۳} باشد آنان را آن کسی که
 بزرگتر است^{۱۴} با بند^{۱۵} مرگ^{۱۶} برنج^{۱۷} اندر کشد^{۱۸} ☉

۵۸۸

* یعنی تا هنگامی که از دین برخوردارید، کوشش و جوششی که در رگ و خون
 دارید، پاداشی را که در آیین مغ و دین راستین بیان رفته در جهان دیگر از آن خود دانید
 در همانجائی که روانهای بیرون کیش دروغبن درکنار تان از گرانی گناه پشت دوتا گشته
 و نگون افتاده باسیب اندراند اگر امروز از جرکه منان و بیرون پای بیرون نهد، فردا
 پس از سر آمدن گردش کیتی وای و فسوس بر زبان رانید

† در این بند، چنانکه در بند آینده و همچنان در بند ۴ از هات ۴۶ روی سخن بیغبر
 باید باکی گشتاسب باشد مزدا باید چنین شهریارانی برانگیزاند تا دست پیدادگران کوتاه
 کنند و روستا را از گزند آنان برهاند بکنند آن خدای بزرگتر از همه، هرچه زود تر آن بد
 کرداران را که فریفته شده اند و در سرای دیگر دچار کردار زشت خویش خواهند شد و ناله
 و خروش خواهند بر آورد در همین جهان هم بکیفر کردارشان رساند و بزنجیر مرگ و رنج
 گرفتار شان سازد

۹ * به بدکیش ۱ تباهی ۲ سزد ۳ . اینان که آرزومندند^۴
 ارجمنده را خوار کنند^۶ ، آن پست شمرندگان آیین ۷ که
 بکیفر ارزانی اند^۸ .
 کجاست آن داور درستگردار^۹ که زندگی^{۱۰} و آزادی^{۱۱} از
 آنان بر باید^{۱۲} ؟
 ایدون تر است ، ای مزدا توانائی^{۱۳} که بدرویشان^{۱۴} راست
 زندگی کنند^{۱۵} ، بهتری^{۱۶} بخشائی^{۱۷}

۵۹۰

* پیشبر فرماید: سر انجام بدکیشان و کسانی که خواستاراند ارجندان و برگزیدگان را
 (بمنی یغمبر و پیروانش را) خوار کنند و دین راستین بست دارند، بسزای خود خواهند رسید،
 در دوزخ، در آنجا بگاه تاه و گندیده خواهند افتاد اما در همین جهان، کو آن شهریاری
 که از روی داد و آیین آنان را رام و فرمانبردار سازد؟
 مزدا بنواختن بینوایان درستگردار و بانگیختن چنین پادشاه دادگر تواناست

(۹) د دې په اړه چې داسې نه ده چې داسې نه وي چې داسې نه وي.

چې داسې نه وي چې داسې نه وي چې داسې نه وي.

داسې نه وي چې داسې نه وي چې داسې نه وي.

چې داسې نه وي چې داسې نه وي چې داسې نه وي.

چې داسې نه وي چې داسې نه وي چې داسې نه وي.

چې داسې نه وي چې داسې نه وي چې داسې نه وي.

چې داسې نه وي چې داسې نه وي چې داسې نه وي.

چې داسې نه وي چې داسې نه وي چې داسې نه وي.

چې داسې نه وي چې داسې نه وي چې داسې نه وي.

چې داسې نه وي چې داسې نه وي چې داسې نه وي.